

سرمايه داری سرمناشاء ناعداالتيهای امروزاست! صفحه ۱۱	جدال درمورد انتخابات اخير درترکیه! صفحه ۱۵	بحران اقتصادی ادامه دارد! صفحه ۱۶	یک نتیجه نامشروع از عملکرد امپریالیسم غرب صفحه ۱۷	درجنبش جهانی کمونیستی (پ ک ک) صفحه ۲۶	درگیری بین حزب دمکرات کردستان ایران و حزب کارگران کردستان ترکیه صفحه ۲۶	نقش «تلاقی تمدن ها» در ایجاد امپراتوری آشوب (۲) صفحه ۲۶
---	---	--	--	---	--	--

توطئه امپریالیسم در تدارک جنگ دولتهای مافوق ارتجاعی!

در شهریکی کس را هشیار نمی بینم

هریک بتر از دیگر سرگشته و دیوانه!

تحریمهای اقتصادی، رشد مبارزات روزمره کارگران و زحمت کشان، افشای روزافزون فساد مالی در دستگاه حاکم و استفاده سرمایه داران خصوصی در بهره بردن از این وضعیت به سود خویش، شرایطی را فراهم ساخته که هر شهروند ایران که جزو حاکمان و سرمایه داران نبوده باید نسبت به وضعیت کنونی چنان عصبان کند که متلاشی ساختن رژیم توسط کارگران و زحمت کشان را هم راه شده و نشان دهد که نسبت به سرنوشت نزدیک به ۸۰ میلیون انسان ایرانی که در عسرت زنده گی کرده و حتا آب راحتی را از گلو نمی توانند به پائین قورت دهند، فهمیده و در نتیجه بی تفاوتی را نسبت به اوضاع و تسلیم قضا و قدر شدن رژیم کنار گذاشته و هر چه مصمم تر در سرنگون ساختن این رژیم در صفحه هشتم

تشدید اعدامها در ایران و ضرورت جلوگیری از آن!

کشتارگاهی به بزرگی ایران توسط رژیم منفور جمهوری اسلامی طی ۳۷ سال حاکمیت خونین اش که حتا یک روز دست از کشتار انسانها برنداشته گسترش و ادامه یافته است. تمامی این قتل عمدها ناشی از شرایطی است که خود رژیم به وجود آورده که وجود بی کاری مزمن، گرانی روزافزون، محدودسازی روابط جوانان دختر و پسر و در عین حال دامن زدن به مردسالاری، تشکیل دادگاههای جعلی که کوچکترین نشانی از بررسی واقعی جرمها نداشته و امضای حکم اعدامها را برای جلوگیری از بروز تخلفات به ظن خود در دستور کار خود قرار داده و بعد از نزدیک به ۴ دهه کشتار شنیع و مشاهده ی عدم تاثیر این جنایات دولتی خم به ابرو نیاورده و صدها و شاید میلیونها خانواده را در سرتاسر ایران

ادعای سرکرده گرائی مسلمانان منطقه را دارند، نشان می دهد که این ادعا بیشتر جنبه تبلیغی برای آشفته کردن جو سیاسی موجود در منطقه، ایجاد عدم امنیت و خطر تجاوز کشور رقیب داشته، زمینه را برای امکان یابی فروش انواع سلاحها به خصوص به عربستان و امیرنشینان جنوب خلیج فارس، و بالاخره در سطح بین المللی کشیدن به کنار ظاهری خود تحت بهانه ی اینکه جنگ منطقه ای است و در عین حال جبهه گیری به نفع عربستان و ممانعت از شکست آن زمینه را برای به تحلیل بردن و شکست رژیم جمهوری اسلامی ایران مساعد نمایند. در عین حال دولت صهیونیستی اسرائیل در کشاندن دولتهای امپریالیستی به ادامه تحریم اقتصادی ایران و نهایتا تضعیف این دولت به شدت ادامه می یابد، بدین ترتیب مذاکرات

بقیه در صفحه دوم

همان طور که قبلا اشاراتی داشته ایم، امپریالیستها بعد از آخرین اختراعاتشان که داعشی است با جنگهای قرون وسطایی که با چنان مقاومت و نفرتی از جانب مردم آزادی خواه جهان روبه رو شده که اختراع مناسبی برای امپریالیستها در برابر افکار عمومی جهانی نیستند، لذا در صدد تهیه طرح جدیدی در تداوم جنگ و اغتشاشهای ارتجاعی می باشند تا بتوانند از فرصتهای به دست آمده از این طریق بر دامنه نفوذ خود در کشورهای خاورمیانه که در استراتژی جهانی آنان منطقه مهمی هستند پیروزیهایی بتوانند به دست بیاورند:

دامن زدن به جنگ بین کشورهای عربی به سرکرده گی عربستان سعودی با ایران به بهانه ی سیطره طلبی دولت ایران، آن هم در شرایطی که دولتهای دیگری چون ترکیه، مصر، عربستان سعودی از جمله

فغان ز جغد جنگ و مرغ آوای او!

سلاحها و از جمله زیر دریائیها و کشتیهای جنگی می شود و بدین ترتیب افکار عمومی را در کنار گذاشتن سیاست مفید بی طرفی که در جنگ جهانی دوم کمترین آسیبی را متوجه سوئد نمود، کنار گذاشته و وارد چنان پیمان متجاوزی تبلیغ می شود که در صورت بروز جنگ این کشور صدمات جبران ناپذیری خواهد دید. باید توجه داشت که: برای قرار گرفتن در جریان این تبلیغات دایر بر این که گویا جنگ در آستانه وقوع است - آن هم از جانب روسیه - که بزرگ ترین تلفات را در جنگهای تحمیلی از زمان ناپلئون فرانسوی تا هیتلر آلمانی دیده و هیچ نفعی هم در این جنگها نصیبش نشده است قصد فراهم کردن شرایط جنگ جدید - آن هم با وجود سلاحهای مرگبار و حشتناک اتمی - توسط آن تبلیغ نمی شود! احزاب دست راست روی عضو شدن در ناتو بقیه در صفحه ششم

این روزها اخبار مربوط به آماده سازی کشورهای امپریالیستی در غرب و شرق برای جنگ به طور بسیار معمولی تبلیغ می شود و از جمله در غرب کشاندن تعداد هر چه بیشتری از کشورها به درون اتحادیه نظامی آتلانتیک به قدری عادی شده است که هیچ کشور سرمایه داری از خطرات بروز جنگ سوم جهانی در ابعاد استفاده احتمالی از سلاحهای پیشرفته اتمی کشتار جمعی صحبتی نکرده و همان طور که در سوئد شاهد هستیم برای کشاندن این کشور به درون ناتو اخبار دروغینی نظیر دیدن زیر دریائیهای روسیه در سواحل سوئد - بدون نشان دادن اثباتی آن تبلیغ می شود! و به این اعتبار اختصاص میلیاردها کرون از مالیاتهایی که از مردم وصول شده به جای ترمیم خرابیهای به وجود آمده در تعلیم و تربیت و بهداشت صرف خریدن انواع

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

توطئه امپریالیسم در تدارک جنگ ... بقیه از صفحه اول

اتمی نیز قرار نیست به انتها برسند تا این که زمینه را برای از بین بردن هرگونه مقاومت در خاورمیانه و ایجاد خاورمیانه بزرگ در استراتژی جنگی شان علیه روسیه و چین بالاخره فراهم سازند.

حال برخی از اخبار و اظهارنظرها را از شخصیت‌های بانفوذی در این مورد از مدنظر می گذرانیم:

شورای امنیت ماموریت کمیته نظارت بر تحریم های ایران را یک سال تمدید کرد کمیته نظارت بر اجرای تحریم های سازمان ملل علیه ایران در سال ۲۰۰۶ تشکیل شد شورای امنیت سازمان ملل ماموریت کمیته کارشناسان ناظر بر اجرای تحریم‌های این سازمان علیه ایران را برای یکسال دیگر تمدید کرده است.

بر اساس قطعنامه امروز شورای امنیت که به اتفاق آرا تصویب شد، ماموریت این کمیته تا ۹ ژوئیه ۲۰۱۶ (۱۹ تیرماه ۱۳۹۵) تمدید شده است.

کمیته ۸ نفره نظارت بر اجرای تحریم های سازمان ملل علیه ایران در سال ۲۰۰۶ زیر نظر وزیر خارجه پیشین گرجستان تشکیل شد. پرونده ایران در اسفند ۱۳۸۴ (هشتم مارس ۲۰۰۶) از سوی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی به شورای امنیت ارجاع شد. شورای امنیت تاکنون ۶ قطعنامه علیه پرونده اتمی ایران تصویب کرده است. این قطعنامه ها، پایه تحریم های یکجانبه اتحادیه اروپا و آمریکا بوده است...

بی بی سی در تاریخ ۱۰ / ۰۶ / ۲۰۱۵ [آیا خود این امر نشانی از این ندارد که سیاست امپریالیستها قصد پایان دادن به تحریمها نیست و برای تداوم آن به دنبال بهانه جونیها هستند تا تداوم اغتشاشات در منطقه را عملی سازند؟ رنجبر]

بلومبرگ: دیدارهای محرمانه اسرائیل و عربستان برای مهار ایران

بی بی سی: شبکه خبری بلومبرگ گزارش می دهد که مقام های سابق اسرائیلی و عربستان سعودی روز پنجشنبه در جریان کنفرانسی در اندیشکده شورای روابط خارجی در واشنگتن فاش کرده اند که نمایندگان دو کشور دیدارهای محرمانه ای برای بحث درباره "دشمن مشترک خود ایران" داشته اند.

الی لیک خبرنگار بلومبرگ گزارش داد که انوار ماجد اشکی، یک ژنرال بازنشسته سعودی که زمانی مشاور شاهزاده بندر بن

سلطان سفیر سابق سعودی در آمریکا بود و دور گولد سفیر سابق اسرائیل در سازمان ملل این مطلب را فاش کردند. این دو مقام سابق در این جلسه به سوالات خبرنگاران پاسخ ندادند. به نوشته بلومبرگ آنها فاش کردند که پنج ملاقات دو جانبه طی ۱۷ ماه گذشته در هند، ایتالیا و جمهوری چک انجام شد.

شیمون شاپیرا از شرکت کنندگان در این نشست ها که یک ژنرال بازنشسته اسرائیلی است به خبرنگار بلومبرگ گفت: "ما به این نتیجه رسیدیم که مشکلات مشترکی داریم، چالش های مشترک و پاسخ های مشترکی داریم." بنابه این گزارش آقای شاپیرا این مشکلات را فعالیت های ایران در منطقه دانست و گفت که دو طرف درباره راه های سیاسی و اقتصادی برای مهار ایران بحث کرده اند اما جزئیاتی ارائه نداد.

بلومبرگ نوشت این اولین بار است که این دو کشور به دیپلماسی میان خود اذعان می کنند. این درحالی است که عربستان سعودی حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد.

الی لیک نوشت: "درحالی که این دو نفر نمایندگان کشورهایی با خصومت تاریخی هستند اما پیام آنها یکی بود: ایران سعی دارد بر خاور میانه مسلط شود و باید جلوی او را گرفت."

بنابه این گزارش هشدارهای اشکی به خصوص در این جلسه تند و تیز بود و نقشش را با طرحی هفت ماده ای برای خاور میانه پایان داد. دومین ماده این طرح "تغییر رژیم در ایران بود."

با این حال آقای گولد که گفته می شود قرار است مدیر سیاسی بعدی وزارت خارجه اسرائیل باشد خواستار تغییر حکومت ایران نشد. هفته پیش عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان، ایران را به دخالت در امور منطقه متهم کرده و گفته بود که کشورش در برابر این دخالت ساکت نخواهد نشست

پیشتر گزارش شد که یک کالج اسرائیلی (Interdisciplinary Center in Herzliya) در یک نظرسنجی افکار عمومی مردم عربستان سعودی در مورد خطرات خارجی را ارزیابی کرده است.

بر اساس نتایج این نظرسنجی مردم عربستان خیلی بیشتر "نگران تهدید ایران و گروه دولت اسلامی هستند تا اسرائیل" و اکثریت بزرگی از آنها از طرح صلحی که عربستان در سال ۲۰۰۲ به اسرائیل پیشنهاد کرد حمایت می کنند.

بر اساس این نظرسنجی ۵۳ درصد سعودی ها ایران را دشمن اصلی کشور خود دانسته

اند، ۲۲ درصد به داعش اشاره کرده اند و ۱۸ درصد هم اسرائیل را دشمن عمده کشور خود خوانده اند. آینه روز- در تاریخ ۰۵ / ۰۶ / ۲۰۱۵

در رهبری عراق چه می گذرد؟

حیدر عبادی، روز یکشنبه (۳۱ مه/۱۰ خرداد) در مصاحبه با تلویزیون العراقیه گفت کشورش مایل نیست وارد کشمکش های منطقه ای شود. نخست وزیر عراق تاکید کرد که اگر منازعه ای میان عربستان و ایران باشد «بغداد خواهان درگیر شدن با آن نیست.» به گزارش دویچه وله، با کنار رفتن نوری المالکی از ریاست دولت عراق و آمدن عبادی در سال گذشته، مناسبات ریاض و بغداد پیوسته رو به بهبود بوده است. مالکی ریاض را به حمایت از مخالفان خود متهم می ساخت و ریاض نیز متقابلاً از مالکی به دلیل فرقه گرایی انتقاد می کرد.

عربستان سعودی با تعیین سفیر برای عراق و اعلام بازگشایی سفارت خود در بغداد پس از ۲۵ سال وقفه، گام هایی برای نزدیک شدن به این کشور برداشته، اما دولت بغداد به مراتب به ایران نزدیکتر است. ایران در مقابله با داعش و بازپس گرفتن مناطق متصرفی نیروهای دولت اسلامی، نقشی حمایتی و اساسی در عراق ایفا می کند.

عربستان در سال ۱۹۹۰ و پس از حمله صدام حسین به کویت، سفارت خود در عراق را تعطیل کرده بود.

اما خبرگزاری فرانسه، که از نتایج بیشتر کاسه آتش داغتر آشوب در منطقه است با نقل فرازهایی از مصاحبه حیدر عبادی، به حمایت های تسلیحاتی و عملیاتی ایران در عراق پرداخته و می نویسد: «گروه های شبه نظامی شیعی در عراق نیز تحت نفوذ ایدئولوژیک و عملیاتی ایران قرار دارند. قاسم سلیمانی، فرمانده شاخه برون مرزی سپاه پاسداران ایران (سپاه قدس) در برخی از عملیات رزمی مشترک در عراق حضور داشته است.»

(بیک ایران - ۱۱ خرداد ۱۳۹۴)

عربستان: در مقابل ایران ساکت نخواهیم نشست / تهران اقدامات آشوبگرانه انجام می دهد و به منافع ملت ها ضرر می رساند

وزیر امور خارجه عربستان از عربستان: در مقابل ایران ساکت نخواهیم نشست / تهران اقدامات آشوبگرانه انجام می دهد و به منافع ملت ها ضرر می رساند

وزیر امور خارجه عربستان از

جنگهای ارتجاعی رهائی بخش نیستند!



موضع سابق ریاض در خصوص یمن عقب نشینی و درباره سوریه نیز بر حمایت عربستان از تروریستها تأکید کرد.

به گزارش «انتخاب»، عادل الجبیر در کنفرانس خبری مشترک در قاهره با سامح شکری وزیر خارجه مصر گفت: درباره یمن باید بگویم تلاشهایی برای ازسرگیری مذاکرات سیاسی به منظور یافتن راهکاری برای یمن بر اساس کنفرانس ریاض جریان دارد. نشست در ژنو برگزار خواهد شد که ترتیبات برگزاری آن ادامه دارد. بین سازمان ملل متحد و دولت قانونی یمن رایزنی می شود تا زمان نشست ژنو مشخص شود. هدف از نشست ژنو اجرای قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. مرجع نشست ژنو نیز ابتکار شورای همکاری خلیج فارس و نتایج گفتگوهای ملی و قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت است. ما از هرگونه تلاش برای یافتن راهکار مسالمت آمیز برای یمن و از هرگونه تلاشی برای افزایش کمکهای بشردوستانه به ملت برادر یمن حمایت می کنیم.

وزیر خارجه عربستان گفت: درباره موضوع مداخله کشورها از خارج از منطقه در امور منطقه عربی به ویژه ایران صحبت کردیم. ایران تنها کشوری است که در امور منطقه خواه در لبنان یا سوریه و یمن و کشورهای دیگر مداخله می کند (اما گویا نه عربستان؟! رنجبر). ما با اقدامات آشوبگرانه و منفی ایران و حمایت این کشور از تروریسم مخالفیم. ما امروز می توانیم روابط طبیعی با ایران برقرار کنیم اما این به رفتارهای ایران و مداخله نکردنش در امور منطقه و حمایت نکردنش از تروریسم بستگی دارد. ما در قبال مداخلات ایران در امور منطقه ساکت نخواهیم نشست. (پیک ایران - تاریخ مطلب: دهم خرداد ۱۳۹۴)

رایان کراکر: خطر تجزیه بیش از جنگ تمام عیار خاورمیانه را تهدید می کند -

۲۰:۲۱ | ۰۶/۰۳/۱۳۹۴

سفیر پیشین ایالات متحده در عراق، در مصاحبه‌ای که روز سه‌شنبه ۵ خرداد ماه در وبسایت نشریه «فارین پالیسی» منتشر شد، با اشاره به اوضاع عراق، حضور گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش)، نفوذ ایران، و رویکرد آمریکا در قبال آن، هشدار داد خطر تجزیه بیش از جنگ کشورهای خاور میانه را تهدید می‌کند.

رایان کراکر در پاسخ به این پرسش توماس ریکس، که آیا وضعیت کنونی عراق اجتناب‌ناپذیر بود، گفت «نه. هر اقدامی

تبعاتی دارد. با این حال، تبعات اقداماتی که صورت دادیم، بیش از تصور ما بود. اما اقدام نکردن هم تبعاتی دارد. اقدام نکردن ما در سال ۲۰۱۱ ما را به اینجا رساند، البته منظور من بیشتر دست به اقدامی سیاسی نزدن است، تا اقدام نظامی.»

وی در ادامه گفت «من در طول ۴۰ سال گذشته دو چیز را در مورد خاورمیانه یاد گرفتم: اول این که خوب دقت کن درگیر چه چیزی می‌شوی، و دوم این که در مورد راه حل برون رفت از آن نیز به همان اندازه دقت کن. شما تنها با خارج شدن از میدان جنگ، به جنگ خاتمه نمی‌دهید، بلکه میدان را به دشمنان خود واگذار می‌کنید؛ ایران و (گروه موسوم به دولت اسلامی).»

وی در پاسخ به پرسش دوم که آیا راهی برای ایالات متحده برای این وضعیت وجود دارد، گفت تا آنجایی که می‌شود باید درگیر این ماجرا بود و «آنچه را که در طول پنج سال گذشته باید مرتب انجام می‌دادیم را انجام بدهیم: تماس‌های تلفنی بین دو رئیس جمهوری، و نیز سفرهای مکرر وزیران خارجه و دفاع.»

این دیپلمات ارشد وزارت خارجه آمریکا در پاسخ گفت «چیزی بدتر از داعش وجود دارد، و آن شبه‌نظامیان (شیعه) مورد حمایت ایران هستند که به مناطق سنی‌نشین حمله می‌کنند.» به عقیده آقای کراکر، این موضوع می‌تواند حاکمیت دولت مرکزی عراق را به خطر بیناندازد.

سفیر پیشین ایالات متحده در افغانستان و عراق، همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا شاهد یک جنگ نیابتی بین تهران و ریاض در عراق هستیم، گفت «جنگ سرد جدیدی در خاور میانه برافشاده، که ایران و عربستان سعودی دو طرف اصلی آن هستند.

سوریه و یمن هم صحنه اصلی آن هستند.» وی در ادامه گفت «سعودی‌ها حضور چندانی در عراق ندارند، زیرا آنها نخواستند مشروعیت دولت شیعه (بغداد) را بپذیرند. ما (ایالات متحده) هم بواسطه بی‌تفاوتی مطلق که داریم، در عراق نیستیم.»

رایان کراکر در نهایت، بروز یک جنگ تمام‌عیار و گسترده در خاور میانه را رد کرد، اما هشدار داد که منطقه ممکن است با تهدید بدتری مواجه شود، و آن تجزیه و پاره پاره شدن کشورهای خاور میانه است. ۱۱/۰۳/۱۳۹۴ آسمان دلی نیوز

برجسته کردن خطرات و دامن زدن به جنگ نشریه نیویورکر در مقاله‌ای، با اشاره به فعالیت‌های حزب الله لبنان، گروه شبه نظامی شیعه مورد حمایت ایران، می‌نویسد، بامداد

بیستم اردیبهشت ۱۳۸۷، حزب الله صدها جنگجوی سراپا مسلح را به بیروت فرستاد و طی ۱۲ ساعت، موازنه سیاسی در لبنان به هم زده شد. حزب الله و متحدانش به سرعت شبه نظامیان سنی را تار و مار کردند، دفاتر سیاسی آنها را در اختیار گرفتند، و رسانه‌های متعلق به رهبران برجسته سنی را تعطیل کردند. ارتش لبنان تنها مشاهده گر وقایع بود و دولت لبنان فلج شد.

به عقیده محمد بزی نویسنده مقاله، در موج انقلاب‌ها و خشونت‌هایی که خاورمیانه در هفت سال گذشته تجربه کرد، اقدام آن روز حزب الله پانویس تحولات بوده است. با نگاهی به گذشته می توان اتفاقات آن روز را نقطه آغاز جنگ نیابتی بین ایران و عربستان سعودی محسوب کرد.

هرچند در آن روزها دو کشور در عراق درگیر جنگ نیابتی بودند، اما اشغال کوتاه مدت بیروت توسط حزب الله و اتفاقات پیش از آن، محاصره بین تهران و ریاض را وارد میدان جدیدی کرد تا روشن شود طی سال‌های بعد، منطقه شاهد چه خواهد بود: خونریزی‌های فرقه‌ای و گسترش جنگ نیابتی به سوریه، عراق، یمن، سراسر لبنان و بحرین. بر مبنای یک تلگراف محرمانه دیپلماتیک آمریکا که توسط ویکی لیکس فاش شد، عربستان چنان نگران حزب الله و پیروزی ایران در لبنان بود که رهبران سعودی پیشنهاد تشکیل یک نیروی نظامی عرب مورد حمایت واشنگتن و ناتو را دادند تا در بیروت مداخله کند. ...

سعود الفیصل در این ملاقات طرح یک نیروی عرب متشکل از کشورهای پیرامونی غیر از عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس را ارائه می کند که زیر پوشش سازمان ملل متحد در بیروت مستقر شده و از سوی آمریکا و ناتو از تجهیزات و پشتیبانی لجستیک، دریایی و هوایی برخوردار شوند. سعود الفیصل گفته بود پیروزی در این درگیری ساده تر از تلاش برای کاهش نفوذ ایران در عراق و مناطق فلسطینی است.

سدر فیلد و دیگر مقامات آمریکایی با تردید به طرح پیشنهادی سعودی نگاه کردند و این ایده به جایی نرسید. اما، طرح آن نشانگر نقطه ای بود که ایران و عربستان به رقابت با یکدیگر به عنوان رقابت برنده و بازنده نگاه می کردند.

اینک عربستان سعودی پادشاه جدیدی در راس قدرت دارد، که اخیراً و پس از مرگ برادرش بر تخت تکیه زد. او میراث

زنده باد جنگ توده ای انقلابی!



دار سیاست سعودی ها برای مهار ایران و مقابله با احساسات انقلابی در منطقه است. ملک سلمان تمایل بیشتری به مداخله مستقیم در نبردهای نیابتی با ایران دارد و این را در جنگ یمن نشان داد. کشورهای عرب در نشستی در ماه مارس بر سر تشکیل یک نیروی نظامی مشترک که عمدتاً هدفش مقابله با ایران خواهد بود موافقت کردند. این طرح بسیار شبیه پیشنهاد هفت سال پیش سعود الفیصل است. اما، آنچه که فرق کرده است این است که سعودی ها در رویکرد تخصصی شان دیگر به آمریکا و نیروی هوایی ناتو اتکا نخواهند کرد و برای مداخله در کشورهای عربی که با تهدید شورش ها یا نفوذ ایران روبرو هستند در پی پوششی سیاسی از سوی سازمان ملل متحد نخواهد بود. این وضعیت جدید منطقه است: ایران و عربستان سعودی مواضع خود را به سوی یک درگیری بی پایان سخت تر کرده اند و مردم عراق، سوریه، و یمن بهای آن را می پردازند.

این صحبتها و ارزیابیهای جنگ طلبانه بدون پایه مادی نیست و لذا طرفین درگیر در ماجرا منتظر فرصت مناسبی هستند تا برای تحکیم موقعیت خویش به ویژه از جانب عربستان سعودی دست به جنگ بزنند. وقت آن رسیده است که کمونیستهای خاورمیانه جبهه متحد دفاع از صلح بین ملل و دولتهای خاورمیانه را بلند کرده و جنگ طلبان ارتجاعی از هر دو سو و به ویژه از جانب عربستان سعودی را هرچه بیشتر افشا نموده، مداخله مذاهب شیعه و سنی را طرد کرده و مانع آن شوند که مردم منطقه خاورمیانه که به انواع کمبودها نیاز دارند با تسلیم شدن در برابر جنگی ارتجاعی بین دولتهای منطقه هرچه بیشتر از هستی موجودشان هم خارج شده و خاورمیانه به صحرای جدید مشابه کویر شمال آفریقا تبدیل شده و کشورهای امپریالیستی با آرامش خیال با به جان هم انداختن دولتهای ارتجاعی منطقه، غارت هرچه بیشتر منابع انرژی منطقه را تسهیل کنند. هشدار بهاری ۱۳۹۴

ظریف: عربستان در فعالیت تروریستی مرزهای شرق ایران دست دارد

وزیر امور خارجه ایران در ژنو گفت: شاهد دست داشتن عربستان در فعالیت های تروریستی در مرزهای شرقی ایران بوده ایم. ظریف: عربستان در فعالیت تروریستی مرزهای شرق ایران دست دارد وزیر امور خارجه ایران در ژنو گفت: شاهد

دست داشتن عربستان در فعالیت های تروریستی در مرزهای شرقی ایران بوده ایم. به گزارش تسنیم به نقل از المیادین، وزیر امور خارجه ایران در ژنو گفت که ایران آماده حل تمامی مشکلات منطقه است. ظریف گفت: ایران در طول ۳۵ سال گذشته همواره سیاست حسن همجواری را پیگیری می کرده است. وزیر امور خارجه ایران افزود: یا همه باید از امنیت در منطقه بهره ببریم یا آنکه در محیطی بی ثبات و سخت زندگی خواهیم کرد.

وی اضافه کرد: خریدار امنیت از دست رفته و هم اکنون نیازمند همکاری در راستای امنیت هستیم و ایران دستان خود را برای همکاری دراز می کند و این موضوع را در جریان تعاملات خود نشان داده ایم. وزیر امور خارجه ایران اضافه کرد: معتقدم که ایران هرگز به دنبال به حاشیه راندن عربستان در منطقه نبوده است ولی متأسفانه همسایگان سعودی ما از طریق روابطشان با قدرت های بزرگ گمان کردند که می توانند ما را به حاشیه برانند. وی تأکید کرد: معتقدم کشورهایی که در منطقه بسیار استراتژیکی هستند باید با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

ظریف افزود: همسایگان ما اولویت های ما بوده و معتقدم که منطقه ما باید با ثبات و امنیت باشد.

وی تصریح کرد: ما آماده حل تمامی مشکلات در منطقه بوده و از دوستانمان دعوت می کنیم که به ما بپیوندند. ظریف هشدار داد: هر میزان که بیشتر منتظر بمانیم و این همکاری ضروری در منطقه را به تأخیر بیندازیم مشکلات سخت تر و پیچیده تر خواهد شد. وی به سفر خود به عمان نیز اشاره کرد و گفت که این سفر با هدف امضای توافقنامه ای برای ترسیم مرزهای دریایی با این کشور بوده است.

وزیر امور خارجه ایران گفت: ما درباره بحران یمن با طرف های متعددی در منطقه از جمله عمان، پاکستان و ترکیه رایزنی می کنیم. وی گفت: تمایل داریم همان روابطی که با عمان داریم با دیگر همسایگان نیز داشته باشیم. ظریف ابراز کرد: ما با تهدیدات مشترکی مواجه هستیم و نیازمند اقدام مشترک برای مقابله با این چالش های مشترک هستیم. وزیر امور خارجه ایران اضافه کرد: معتقدیم که زمان سیطره بر دیگر کشورها به پایان رسیده است. ما نیازمند آن هستیم که خودمان مسیرمان را در منطقه رقم بزنیم.

وی در ادامه به بحران یمن اشاره کرد و گفت: اردوغان در جریان سفر به ایران نکاتی را برای حل بحران یمن پیشنهاد داد که نکته نخست آن آتش بس فوری تمامی طرف ها بوده است و نکته دوم رساندن کمک های بشردوستانه به یمن بوده و نکته سوم آغاز مذاکرات یمنی - یمنی با کمک طرف خارجی بوده است.

محمد جواد ظریف تأکید کرد: هیچ چاره ای جز آتش بس چه در یمن و چه در سوریه وجود ندارد.

وی گفت: می توانیم اقدامات تروریستی عربستان در لبنان و در مرزهای شرقی مان را ببینیم.

ظریف اعلام کرد: ایران هیچ منفعتی از بی ثباتی در یمن نمی برد و ایران هیچ سودی از عدم ثبات در عربستان ندارد.

وزیر امور خارجه ایران افزود: برخی از کشورهای منطقه اقدام به ارائه تسهیلات مالی و سلاح و معابر امن به داعش و جبهه النصره در سوریه کردند و متأسفانه برخی نشانه ها حاکی از آن است که برخی خواستار گسترش داعش در منطقه هستند.

وی تأکید کرد: هیچ چاره ای جز روند سیاسی فراگیر در سوریه و در راستای آن چیزی که ملت می خواهد، وجود ندارد و تراژدی سوریه بسیار بزرگ و فاجعه آمیز بوده که برخی از آن سوء استفاده می کنند.

ظریف گفت: تقسیم منطقه به نفع هیچ کسی نبوده و امنیت و ثبات جهان را تهدید می کند. وی تصریح کرد که ایران با آمریکا جز درباره پرونده هسته ای درباره موضوع دیگری مذاکره نمی کند.

وزیر امور خارجه ایران در ادامه به مصر نیز اشاره کرد و گفت: مصر کشور مهمی چه در جهان عرب و چه در جهان اسلام بوده و ایران در زمینه های بین المللی متعددی با این کشور مشارکت دارد.

وی افزود: در برخی موارد با مصر اختلافاتی داریم که امیدواریم با درایت رهبری کنونی مصر حل شود. تاریخ مطلب: دوازدهم خرداد ۱۳۹۴ پیک ایران. اما فراموش کنیم که سیاست: «چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند» سیاست اصلی رژیم ایران است!!

تندروهای ایران: مردم را برای جنگ آماده کنید!

گروه های تندرو در ایران می گویند مسئولان کشور فقط صحبت از «توافق» می کنند اما «جنگ قطعاً اتفاق خواهد افتاد» و باید مردم را برای جنگ آماده کرد. طرفداران



دولت در مقابل می‌گویند تندروها کسب و کارشان در جنگ و جنگ‌طلبی است.

حسن روحانی معتقد است پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ پیروزی گفتمان «تعامل با جامعه جهانی» بود. او پیش از انتخابات گفته بود: «ما برای اینکه به اهداف ملی دست پیدا کنیم و برای اینکه کشور را از تحریم ظالمانه نجات دهیم و برای اینکه روابطمان را با دنیا براساس تعامل سازنده بنیانگذاری کنیم در این عرصه ورود کرده‌ایم.»

پس از پیروزی در انتخابات نیز گفت: «پیام انتخابات ۱۳۹۲ سیاست خارجی پویا و فعال با جهان بود که البته همراه با احترام، منافع و حفظ حقوق متقابل است.»

براین اساس او بلافاصله پس از آغاز دوره ریاست‌جمهوری‌اش مذاکره جدی با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا برای حل و فصل مناقشه‌های هسته‌ای و برچیدن تحریم‌های ایران را در دستور کار نخست دولت خود قرار دارد. دو سال مذاکرات نفس‌گیر تیم سیاست خارجی روحانی با قدرت‌های جهانی اکنون به هفته‌های و روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود. آگاهان می‌گویند اصول‌گرایان تندرو این روزها تمام نیروی خود را به کار گرفته‌اند تا مانع از توافق دولت روحانی با قدرت‌های جهانی شوند. تجمع و تحصن روزهای اخیر تندروها در شهرهای مختلف کشور بخشی از این تلاش‌هاست.

«مردم را برای جنگ آماده کنید!»

پایگاه خبری «آرمان پرس»، یکی از تریبون‌های تندروهای اصول‌گرا، در مخالفت با سیاست دولت در مذاکرات هسته‌ای، اعلام کرده که «قطعا جنگ خواهد شد» و از مسئولان کشور خواسته «مردم را برای جنگ و جهاد آماده کنند».

تظاهرات علیه مذاکرات هسته‌ای

این وبسایت نوشته است: «این روزها و در زیر سایه افزایش تهدیدها و حتی تهدید اتمی کشورمان برای اولین بار در طول انقلاب اسلامی، مسئولان نه تنها برنامه‌ای برای آمادگی مردم در مقابل این تهدیدها ندارند بلکه در اقدامی عجیب مردم را به فرار از جنگ و پناه بردن به دیپلماسی خنده که انتهای آن به هیچ عنوان مشخص نیست دعوت می‌کنند.

به نظر این وبسایت اصول‌گرا، دولت روحانی هیچ اعتقادی به «جنگ» و «آماده سازی» مردم ندارد، «اما نیروهای اصول‌گرا را چه شده است که در سکوتی خفت‌بار فرو

رفته اند و تلاشی برای تزریق نیروی جنگ و جهاد در موبیرگ‌های جامعه نمی‌کنند؟» «آرمان پرس» می‌افزاید: «تا به کی باید فریاد توافق سر داد و از جنگ فرار کرد؟ مباحث مذاکره و تحریم تا به کجا؟ چرا ملت را درگیر تورم و رفاه و بیمه کرده‌ایم؟ و چرا هیچ کس خبری از جهاد پیش رو دم نمی‌زند؟ جهاد و جنگی که قطعا اتفاق خواهد افتاد.»

«کسب و کار تندروها در جنگ است!»

یک روحانی طرفدار سیاست‌های دولت اما می‌گوید ذات وجودی و کسب و کار گروه‌های تندرو در «جنگ و جنگ‌طلبی» است؛ حالا چه جنگ نرم، چه جنگ سرد، چه جنگ لفظی و چه جنگ با سلاح.»

دوپچه وله

آیت‌الله محسن غرویان، یکی از استادان حوزه عملیه قم با اشاره به تجمع‌های تندروها در روزهای اخیر به خبرگزاری کار ایران (ایلنا) گفت: «این‌ها (تندروها) می‌خواهند تمام مملکت را به این حالت جنگ‌طلبی بکشانند و از صلح و آرامش و روابط حسنه و توافق، اصلا تنفر دارند، به طور ژنتیکی و ذاتی این‌چنین‌اند و این تجمع‌ها هم در راستای همین هدف است.»

غرویان افزود، همین چند ساعت پیش پیامکی برای من فرستادند که «مسئولان مملکت چرا مردم را برای جنگ آماده نمی‌کنند؟ فقط صحبت از توافق می‌کنند و صحبت از آرامش می‌کنند؛ مگر جنگ و جهاد در اسلام نداریم؟ باید مردم را برای جنگ هم آماده کرد؛ سخن از توافق و سبب کالا نباید باشد.»

این استاد حوزه می‌گوید: «متأسفانه عده‌ای دنبال این تفکر خشونت و جنگ و زدوخورد با همه دنیا هستند و نمی‌خواهند توافق برقرار شود. مسئله دیگر هم این است که واقعا بسیاری از این‌ها درد مردم را درک نمی‌کنند و می‌گویند تحریم هیچ اثری ندارد. آن آقا هم در دولت قبل می‌گفت این قدر قطعنامه صادر کنید تا قطعنامه‌دانتان پاره شود و از این حرف‌ها؛ اما الان همان‌ها آمده‌اند و می‌گویند تحریم‌ها باید یکجا لغو شود.» آیت‌الله غرویان معتقد است، هدف تندروها «شکست دادن مذاکرات و دولت در زمینه دیپلماسی خارجی است چراکه اینها از انتخابات ۹۲ به این طرف عقده‌دار شده‌اند؛ کاندیدای خودشان در آن انتخابات رأی نیاورده و به هر حال می‌خواهند این دولت را زمین بزنند.» تاریخ ۰۲،۰۶،۲۰۱۵

در این شرایط بغرنج جنگ طلبان امپریالیست با جنگ طلبان مرتجع کشورهای خاورمیانه هم فریاد جنگ طلبی دیگر رقیبان را سر می‌

دهند و هم به خاطر سودی که خود می‌توانند از تداوم تحریم اقتصادی داشته باشند، قریب الوقوع بودن جنگ را فریاد می‌زنند و در این فاصله این فریادها نیز جانب وادار ساختن طرف مورد منازعه به کوتاه آمدن و پذیرفتن سیاست‌های نواستعماری را مدنظر دارند. برای کمونیست‌ها که مدافع کارگران و توده های وسیع مردم ایرانند که در فقر و فاقه بی نظیری به سر می‌برند مخالفت با جنگ‌های ارتجاعی و تحمیلی امپریالیست‌ها امری واضح است و در عین حال در صورت دست زدن کشورهای جنگ طلب به جنگ ، تبدیل منطقه خاورمیانه به گور جنگ طلبان امپریالیستی و محلی و آزاد سازی این منطقه از دست استثمارگران و مرتجعان و ستمگران و لذا پیش بردن جنگ انقلابی تمام عیاری تنها ضامن حفظ استقلال و آزادی خاورمیانه می باشد. لذا باید با دقت تمام تضادهای موجود در منطقه مورد بررسی مداوم قرار گیرند و در عین حال نیروهای انقلابی در صورت بروز جنگ دچار پاسیویزم نشوند.

تفسیر روز - اردیبهشت ۱۳۹۴



با قدردانی از کمک‌های مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضای وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها



فغان ز جغد جنگ ... بقیه از صفحه اول

پیوسته در پارلمان چانه می زنند!!

سکوت نیروهای سیاسی صلح طلب، روشنگری نکردن در مورد جنگ جهانی و خطرات آن و در این زمینه احزاب کمونیست ناتوان در بسیج کارگران و زحمت کشان در ابعاد میلیونی و دعوت آنان در مقابله با چنین جنگی در اروپا که هیچ نفعی برای توده های مردم نداشته و تنها سرمایه داران که در بحران شدید ۷ ساله اقتصادی قادر به حل آن نشده اند با دامن زدن به جنگ می کوشند تا حیات استثماری، استعماری و خونین خود را زنده نگه دارند!

در آن چه که در زیرمی آید ما گوشه ای از تدارک جنگ را می آوریم تا نشان دهیم که مسئله جنگ طلبی بیش از پیش جدی شده و زمان آن رسیده است که توده های کارگر و زحمت کش با مخالفت و مقاومت در برابر این سیاست مانع آن گردند که صدها میلیون انسان بی گناه جان خود را از دست بدهند و صدها سال زحمت کارگران با میلیاردها ساعت تلاش سازنده، به ویرانه تبدیل شده و شاید حتی در اروپا محیط سالمی برای زنده گی کردن یافت نشود. توجه کنید به رویدادهای تبلیغی:

ناتو: حرکت اتمی روسیه خطرناک است
بی بی سی: ناتو اقدام روسیه برای تقویت تسلیحات اتمی اش را محکوم کرده و آن را "تهدیدآمیز"، "غیرقابل توجیه" و "خطرناک" خوانده است.

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه پیشتر اعلام کرده بود که این کشور امسال بیش از چهل موشک بالستیک قارمپما به زرادخانه هسته ای خود خواهد افزود.

این بخشی از یک برنامه گسترده برای مدرنیزه سازی ارتش روسیه است.

رئیس جمهوری روسیه این سخنان را یک روز پس از آن بیان کرد که این کشور استقرار سلاح های سنگین آمریکا در اروپای شرقی و در نزدیکی مرز با روسیه را محکوم کرد و آن را خصمانه ترین اقدام آمریکا از زمان پایان جنگ سرد خواند.

پنس استولنتیرگ دبیرکل ناتو گفت که بیانیه آقای پوتین "موید الگو و رفتاری است که روسیه مدتیست در پیش گرفته - به طور کلی ما شاهد سرمایه گذاری بیشتر روسیه به خصوص در زمینه توانایی اتمی بوده ایم."

او گفت: "این حالت تهدیدآمیز روسیه با سلاح اتمی غیرقابل توجیه است، بی ثبات کننده است و خطرناک است."

"این مساله ای است که هم اکنون در حال رسیدگی به آن هستیم و همچنین یکی از دلایل تصمیم ما برای افزایش آمادگی نیروهایمان است."

او افزود که "آنچه ناتو هم اکنون در بخش شرقی این پیمان انجام می دهد رفتاری متناسب است که جنبه دفاعی دارد و کاملا در راستای تعهدات بین المللی ماست."

جان کری وزیر خارجه آمریکا هم از اعلامیه آقای پوتین ابراز نگرانی کرد و گفت که این تصمیم با موافقتنامه "استارت" در تناقض است. استارت با هدف تخریب سلاح های اتمی در نواحی سابق اتحادیه جماهیر شوروی انجام می شود.

او اشاره کرد که این ممکن است پزی در مذاکرات به دلیل نگرانی روسیه از تحرکات ناتو باشد اما افزود "هیچ کس نباید این نوع اعلامیه ها را از رهبر یک کشور قدرتمند بشنود و نسبت به عواقب آن احساس نگرانی نکند." پوتین پس از اظهارات دبیرکل ناتو گفت که روسیه مجبور خواهد بود نیروهای مسلح خود را به سوی هر کشوری که ممکن است تهدیدش کند "نشانه رود."

او پیشتر گفت که حتی پیشرفته ترین سیستم های ضد موشکی قادر به جلوگیری از موشک های بالستیک تازه روسیه نخواهند بود.

سارا رینسفورد خبرنگار بی بی سی در مسکو می گوید که روسیه تحت رهبری آقای پوتین به طور قابل توجهی بر هزینه های دفاعی اش افزوده است و در میانه یک برنامه عظیم مدرن سازی نظامی قرار دارد. به گفته او این سلاح های پیشرفته جایگزین بخشی از زرادخانه اتمی روسیه می شوند نه اینکه به آن اضافه شوند اما پیام آن برای آمریکا روشن است.

هنوز مشخص نیست موشک های مدنظر آقای پوتین کجا مستقر خواهند شد. ولادیمیر پوتین همچنین گفته است که ارتش روسیه در صدد آزمایش موشک های دوربرد جدید است.

در همین حال آناتولی آنتونوف، معاون وزیر دفاع روسیه گفته است که به نظر می رسد ناتو در صدد آن است تا روسیه را وارد یک مسابقه تسلیحاتی کند.

تنش میان روسیه و آمریکا و کشورهای عضو ناتو به دنبال بحران اوکراین و الحاق شبه جزیره کریمه به خاک روسیه شدت گرفته است.

روسیه به طور مرتب، چنین ادعاهایی را تکذیب کرده و گفته است که شهروندان روسی که در اوکراین حضور دارند، نیروهای داوطلب هستند و از سوی دولت روسیه

اعزام نشده اند. ۲۷ خرداد ۱۳۹۴ آ.د.ن. **رزمایش کشورهای عضو ناتو در شمال اروپا**

رزمایش روسیه در حالی آغاز شده است که در روز دوشنبه (۲۵ مه / ۴ خرداد) برخی از اعضای ناتو و اتحادیه اروپا نیز سرگرم انجام یک مانور هوایی در شمال اروپا هستند.

به گفته سخنگوی ارتش سوئد در مانور کشورهای اروپایی و عضو ناتو بیش از ۳۶۰۰ سرباز و ۱۱۵ هواپیمای جنگنده از ۹ کشور شرکت دارند. ارتش آلمان نیز از جمله کشورهای شرکت کننده در این مانور نظامی است. به گفته منابع نظامی، نیروی هوایی آلمان با چندین جنگنده "یوروفایتر" در مانور شرکتی فعال دارد. مانور نظامی کشورهای اروپایی تا ۴ ژوئن (۱۴ خرداد) ادامه خواهد داشت. سوئیس به عنوان کشوری که در ناتو و اتحادیه اروپا عضویت ندارد نیز در این رزمایش حضور دارد.

در مانور کشورهای اروپایی، پایگاه های نظامی سوئد، فنلاند و نروژ در نزدیکی قطب شمال مورد استفاده قرار گرفته اند. یکی از مسئولان نیروی هوایی سوئد درباره اهداف این مانور گفت: «در این مانور به طور رسمی یک مأموریت صلح سازمان ملل متحد مورد آزمون قرار می گیرد. برای تامین امنیت مشترک کشورهای اروپایی باید رزمایش و تمرین مشترک نیز صورت گیرد.» در رزمایش کشورهای اروپایی با نام "چالش قطب شمال" از مهمات رزمی و واقعی استفاده خواهد شد.

مانورهای نظامی روسیه و کشورهای اروپایی در حالی برگزار می شوند که تنش در شرق اروپا افزایش یافته است. در ماه های گذشته به کرات بمب افکن های روسیه به حریم هوایی برخی از کشورهای اروپایی وارد شدند. نگرانی کشورهای حوزه بالتیک و فنلاند به دلیل ادامه بحران در اوکراین و اشغال شبه جزیره کریمه از سوی روسیه افزایش یافته است. DW.DE

کشورهای بالتیک نیروهای نظامی خود را تقویت می کنند

هواپیماهای جنگی روسیه روزانه ۳۰ بار در مرزهای کشورهای حوزه دریای بالتیک ردگیری می شوند. کشورهای بالتیک اکنون ضمن افزایش بودجه نظامی از ناتو کمک درخواست کرده اند. (۲۳، ۱۲، ۲۰۱۴)

قدرت نمایی روسیه با چهار کشتی جنگی در سواحل استرالیا

چهار کشتی جنگی نیروی دریایی روسیه هم اکنون در نزدیکی سواحل استرالیا





هستند. به نظر می‌رسد که روسیه در آستانه‌ی برگزاری اجلاس کشورهای عضو "گروه ۲۰" (جی ۲۰) قصد دارد قدرت نظامی خود را به نمایش بگذارد. (۱۳،۱۱،۲۰۱۴)

ناتو درصدد برپایی رزمایشی بزرگ در نزدیکی مرزهای روسیه است. ناتو رزمایشی بزرگ با شرکت ده‌هزار سرباز در اروپای شرقی را تدارک می‌بیند. ناتو در پی جلوگیری از تکرار حادثه‌ای همچون اشغال کریمه است. انتشار این خبر در حالی صورت می‌گیرد که نبرد در شرق اوکراین همچنان ادامه دارد. (۰۷،۱۱،۲۰۱۴)

تهدید موشک‌های بالستیک روسیه برای آمریکا جدی است:

به گزارش اسپوتنیک، «جیمز وینه‌فیلد» دریاسالار و معاون رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا گفت که مبارزه با موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای روسی برای این کشور جدی و هزینه‌بر است.

وی گفت: «تهدید هسته‌ای روسیه و همین‌طور احتمال رویارویی با چین از جمله اولویت‌های فهرست تهدیدهای ایالات‌متحده به شمار می‌روند.»

وینه‌فیلد تصریح کرد: «مقابله با این تهدیدها برای ایالات متحده بسیار سنگین و هزینه‌بر است و از هر لحاظی ثباتی به همراه می‌آورد.» مقام‌های روسیه اخیراً سامانه موشکی دفاعی بالستیک «اس ۴۰۰» را علاوه بر مسکو و دیگر شهرهای مهم این کشور، در دورترین مرزها مستقر کرده‌اند و این اقدام توسط مقام‌های کاخ سفید نوعی تهدید به شمار رفته است. ۱۳۹۳/۳/۲

چین وارد مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای نخواهد شد

چین در آخرین دکترین نظامی خود بر این که این کشور هیچگاه با هیچ کشوری وارد مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای نخواهد شد، تأکید کرد. به گزارش خبرگزاری شینهوا، بنا بر گزارشی که اخیراً با عنوان «استراتژی نظامی چین» توسط دفتر اطلاعات کابینه دولت چین منتشر شده است تجهیزات هسته‌ای به همراه اقیانوس هند، هوافضا و فضای سایبری یکی از چهار موضوع حساس امنیتی چین مطرح شده است.

در این گزارش تأکید شده است که سیاست چین استفاده نکردن نخست از سلاح هسته‌ای و استفاده از زرادخانه هسته‌ای به عنوان یک استراتژی تدافعی و بازدارنده است و نیز چین هیچگاه از تجهیزات هسته‌ای خود

علیه کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای و نیز در مناطق عاری از تسلیحات هسته‌ای استفاده نخواهد کرد.

همچنین چین در این گزارش اعلام کرده است که این کشور تعهد می‌دهد که توانایی‌های هسته‌ای خود را در کمترین حالتی که برای تأمین امنیت ملی به آن نیاز دارد نگه دارد. آسمان دیلی نیوز ۵ خرداد ۱۳۹۴

شروع مانور بزرگ نیروی هوایی روسیه

بی بی سی به نقل از وزارت دفاع روسیه خبر داد؛ نیروهای ارتش این کشور یک مانور بزرگ با شرکت ۲۵۰ هواپیما و هلی کوپتر و ۱۲ هزار نظامی را شروع کرده‌اند. وزارت دفاع این تمرین‌های چهار روزه را به عنوان یک «بازرسی بزرگ ناگهانی» برای آزمودن آمادگی نیروهای رزمی روسیه عنوان کرد.

این رزمایش در همان روزی شروع می‌شود که ناتو و برخی از شرکای آن تمرینی آموزشی را در منطقه قطب شمال شروع کردند. اقدامات روسیه در اوکراین و ورود هواپیماهایش به آسمان کشورهای غربی باعث افزایش تنش با غرب شده است.

بر اساس گزارش‌های خبرگزاری‌های روسی اینترفکس و تاس، بازرسی گروه هوانوردی و نیروهای پدافند هوایی روسیه شامل تقریباً ۷۰۰ سلاح و سخت افزار نظامی است.

در جریان این رزمایش، هواپیماهای دوربرد روسیه قرار است با موشک‌های کروز به اهداف آزمایشی در جمهوری کومی در شمال غربی روسیه حمله کنند.

کارولین وایات خبرنگار بی بی سی در مسکو می‌گوید که تمرین‌های کنونی مقدمه‌ای بر رزمایشی بزرگتر در ماه‌های آینده است. دیمیتری روگوزین معاون نخست وزیر روسیه در مصاحبه‌ای تلویزیونی در مورد کوبندگی روسیه به شوخی گفت «تانک‌ها نیازی به ویزا ندارند.»

او از جمله کسانی است که در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا قرار دارد که بعد از انضمام کریمه به خاک روسیه وضع شد و محدودیت‌هایی بر سفرهای خارجی او اعمال می‌کند. همانجا ۱۳۹۴/۳/۵

حال اگر به تاریخ تجاوزگری آمریکا و ناتو توجه کنیم اولاً به راه انداختن "انقلابات" مخملی سالهاست که توسط امپریالیستهای غرب سازمان داده شده‌اند. ثانیاً پیمان نظامی ورشو در شرق به این دلیل منحل شد که قرار بود پیمان نظامی ناتو نیز منحل

شود. ولی کیست نداند که از آن زمان تمام کوشش‌های دولتهای غربی در حفظ و گسترش ناتو به شرق ادامه یافته است. سوما پس از تدارک دیدن انقلابات مخملی کشورهای شرق اروپا که همجوار با روسیه هستند به ناتو ملحق شده‌اند و حتا در آنها موشک‌های بزرگی درمقابله با روسیه به کار گذاشته شده است. چهارما در جریان ایجاد بلوا و انقلاب مخملی در اوکراین سردمداران روسیه که می‌دیدند در صورت نفوذ ناتو در اوکراین، مسکو در تیررس سریع سلاح‌های ناتو قرار گرفته‌اند به مقابله پرداخت. این وضعیت تشنج‌زا هنوز هم ادامه دارد، امری که نشان می‌دهد هدف امپریالیستهای غرب به زانو درآوردن دولت روسیه و پذیرش دخالت‌های آنان در حوالی روسیه می‌باشد که نهایتاً کشاندن بخش‌های دیگری از روسیه به زیر سیطره‌ی ناتو است. چهارما اگر توجه کنیم که آمریکا در هم دستی با امپریالیستهای دیگر در همه جا (آفریقا، خاورمیانه، آسیای شرقی) به ایجاد دخالت نظامی و تلاش برای گسترش نفوذ نظامی اش حتا یک دقیقه بی کار نمانده است. امری که نشان از استراتژی امپریالیستهای غرب در جلوگیری از رشد و تفوق روسیه و چین جهت حفظ سرکرده‌گی خود بر جهان دارند.

آیا مجموعه‌ی این حرکات نظامی کافی نیستند تا چشمانمان برای خطر بروز جنگ جهانی امپریالیستی بازترشده و برای جلوگیری از چنین سناریوی سیاهی کارگران و زحمت‌کشان جهان را آگاه نموده و برای جلوگیری از فاجعه جنگ جهانی جدید بسیج کنیم تا در صورت شروع چنین جنگی آماده‌گی لازم در جهان برای قطع فوری آن را فراهم سازیم.

جنگ جهانی امپریالیستی هیچ نفعی برای توده‌های مردم ندارد و ارتجاعی است! نه به جنگ ارتجاعی، زنده باد انقلاب اجتماعی کارگران و زحمت‌کشان و علیه استعمارنو!

زنده باد صلح ملل جهان با هم و جنگ علیه استثمار و ستم!

**حزب رنجبران ایران -
شنبه ۹ خرداد ۱۳۹۴**





در شهریکی کس را هشیار نمی بینم

بقیه از صفحه اول

رژیم فاسد سرمایه داری - مذهبی از خموده گی خود را رها ساخته و به خیل اکثریت محرومی ببینود که خواستار براندازی نظام سرمایه داری و استقرار نظام سوسیالیستی هستند.

در زیر ارزیابی برخی از جامعه شناسان و اقتصاددانان مدافع نظام سرمایه داری را می آوریم تا نشان دهیم چه فساد عمومیت یافته ای دستگاههای پرنفوذ رژیم را در خود غرق کرده است:

مافیای پر قدرت نهادهای نظامی در ایران/ نزدیک ترین دولت به خامنه ای فاسد ترین دولت ایران بود

رادیو فردا: وبسایت «کلمه» به تازگی خبری منتشر کرد دایر بر کشف یک باند فساد مالی در بنیاد تعاون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (ناجا) که به نوشته این سایت پای اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده پیشین ناجا، را نیز به میان آورده است.

سرتیپ احمدی مقدم در اسفندماه ۱۳۹۳ و زمانی از سمتش کنار رفت که هنوز چند ماه دیگر از مهلت تمدید حکم وی باقی مانده بود. وبسایت کلمه حتی از بازداشت دو روزه آقای احمدی مقدم خبر داده و نوشته است که علاوه بر او دست کم پای ۱۲ نفر از مسئولان ارشد بنیاد تعاون ناجا از جمله سرتیپ دوم ابوالفضل قنبرپور، مدیرعامل سابق این بنیاد، در این پرونده در میان است. سرتیپ قنبرپور از مهرماه ۱۳۸۸ توسط آقای احمدی مقدم به ریاست بنیاد تعاون ناجا منصوب شد و تا فروردین سال گذشته در این سمت باقی بود. به نوشته کلمه حتی زمزمه هایی در خصوص ارتباط محمدباقر قالیباف شهردار تهران با این پرونده مطرح است. اما به تعبیر همین سایت نوعی خندق اطلاعاتی در اطراف این پرونده ایجاد شده تا هیچ اطلاعاتی از آن به بیرون درز نکند. بنیاد تعاون ناجا یکی از بزرگترین مجموعه ها یا هولدینگ های اقتصادی شبه دولتی ایران است. این مجموعه در زمینه های بسیار گسترده از بانک و بیمه و نفت و گاز و انرژی گرفته تا ساخت اسکله و جاده و واردات و تولید پوشاک و نوشابه و مواد غذایی و معادن و هتلداری فعالیت می کند. اما ماجرای اتهام فساد مالی فرمانده پیشین نیروی انتظامی ایران چیست؟ فعالیت بنیادهای نظیر بنیاد تعاون ناجا در اقتصاد کشور چه تأثیراتی دارد؟ اینها از جمله

پرسش هایی است که با دو مهمان این برنامه دیدگاه ها در میان گذاشته ایم: رضا علیجانی، تحلیلگر سیاسی ساکن پاریس و فریدون خاوند استاد اقتصاد در دانشگاه رنه دکارت پاریس.

رضا علیجانی: متأسفانه خبرهای فساد مالی و دستگیری مسئولان رده بالا اینقدر زیاد شده که شاید آن حس کنجکاو و حتی حس اخلاقی بسیاری از شهروندان ایرانی هم کاهش پیدا کرده. البته این خبر از مدت ها پیش، بیش از یک ماه و یک ماه و نیم پیش، در محافل سیاسی و رسانه های ایران شنیده می شد و ابعادش هم بزرگتر از این مسئله می دیدند. یعنی یک طرف ماجرا در نیروی انتظامی ناجا است، یک طرفش شهرداری است که به هر حال بعد از شهردار شدن آقای قالیباف ایشان بیش از شاید ۱۵۰ نفر از سرداران نیروی انتظامی را وارد شهرداری کردند. همچنین شنیده هایی هم وجود دارد که پسر آقای اژه ای و پسر برادر آقای اژه ای هم درگیر ماجرا هستند.

به هر حال اینها در محافل سیاسی رسانه های تهران شنیده می شود. فرزند آقای قالیباف هم بازداشت موقتی داشتند که با وثیقه سنگین آزاد می شوند و به ابوظبی فرار می کنند. پسر آقای اژه ای هم گفته می شود که در این پرونده هستند و متواری اند و پسر برادر ایشان در زندان بودند که آزاد می شوند و شایعه هست در تهران که اینها به ابوظبی فرار کرده اند.

به هر حال یک پرونده بسیار وسیعی است و چون آقای قالیباف مرتباً خودش را به بیت آقای خامنه ای و به ویژه مجتبی خامنه ای وصل می کند و می گوید من با آنجا مرتبط هستم و دستور می گیرم وزارت اطلاعات ظاهره وارد این پرونده شده و اسناد و مدارک کافی را گردآوری کرده به بیت برده و آقای خامنه ای هم ظاهره چون اسم فرزندشان هم آمده و اینها خودشان را رسمی کردند دستور رسیدگی ویژه به بازرسی بیت داده و پرونده بیخ پیدا کرده و پسر آقای احمدی مقدم بازداشت شده و خود ایشان هم شایعه است چند روزی که هنوز هم تحت نظر هستند. به علاوه باز هم شنیده هایی شنیده می شود که رئیس دفتر آقای احمدی مقدم هم به اتهام جاسوسی برای اسرائیل تحت بازجویی هستند.

خب این یک مقدار به این برمی گردد که بنیاد تعاون ناجا در کنار سه چهار ابرشرکت در کنار سه چهار بنیاد سرمایه های زیادی دارند و بخش مهمی از اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار می دهند. در کنارش شرکت های مختلف سپاه، آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفین،

ابرشرکت هایی هستند که به علت ارتباط و اتصالشان به قدرت غیرپاسخگو در ایران در اقتصاد هم غیرپاسخگو هستند. به ویژه آنهایی که به قول آقای روحانی اسلحه هم دستشان باشد، نیروی امنیتی باشند، انتظامی باشند و اطلاعاتی باشند حضورشان در اقتصاد تلاطم اقتصادی را بیشتر می کند، بخش خصوصی را بیرون می کند و جدا از استفاده از رانت های دولتی و حتی اتصال به قدرت های انتصابی و غیرپاسخگو چون دستبند و اسلحه هم دارند می توانند اقتصاد کشور را بیش از پیش مورد تاخت و تاز قرار دهند که می شود در ادامه به ابعاد دیگری از ماجرا هم پرداخت.

آقای علیجانی، پیش از اینکه برسیم به فعالیت بنیاد تعاون ناجا، یک سؤال دیگری از شما داشتیم در ارتباط با آن چیزی که بیان کردید. به اعتقاد شما دلیل اینکه رسیدگی به این پرونده ها الان جریان پیدا کرده، چیست؟ آیا مسایل داخلی و جناحی است یا احتمالاً زورآزمایی دولت آقای روحانی است یا جناح های مقابل یا دلایل دیگری به نظر شما می رسد؟

رضا علیجانی: می تواند دلایل مختلفی داشته باشد. البته اینها همه گمانه زنی است. شکل یک مقدار بدبینانه اش جنگ بین مافیاهای اقتصادی است. یعنی سپاه آمد برادران افراشته را که گویی با یاسر هاشمی هم ارتباط هایی داشتند به لحاظ مالی دستگیر کرد و حالا جناح های دیگر هم مقابله به مثل می کنند. خب در ایران متأسفانه منافع ملت مطرح نیست و سقوط اخلاقی هم صورت گرفته حتی بین شرکت های اقتصادی سپاه و وزارت اطلاعات رقابت های عجیبی وجود دارد. من حتی شنیده ام که اینها در مرحله تحریم گاهی اوقات شرکت های همدیگر را لو می دادند که برود توی تحریم.

وقتی چنین سقوط اخلاقی در کشور صورت بگیرد، ما در مذاکرات هسته ای هم می بینیم. جریان هایی که حالا یا مافیای اقتصادی هستند، از تحریم ها سود می برند و یا جریان هایی هستند که در رقابت با دولت حاضرند منافع ملی کل کشور را تحت تاخت و تاز قرار دهند، اخلاقی می کنند. این سابقه دیرینه دارد. ولی شکل یک مقدار می شود نرمتر و خوشبینانه تری هم دید که به هر حال این ماجرا خود به خود لو رفته و دولت هم می داند که بزرگترین ضعف جریان راست افراطی بخش اقتصادی آن است نه بخش سیاسی اش که مورد حمایت شدید بیت و نیروهای نظامی امنیتی است وارد این نقطه ضعف شده و به قول معروف

مرگ بر دامن زنان به جنگ امپریالیستی!



پای زخمی جریان مقابل را گرفته و می‌خواهد ضربه فنی کند.

آقای خاوند، نظر شما در مورد تاثیر فعالیت‌های اقتصادی و مالی مانند همین بنیاد تعاون ناجا در اقتصاد ایران چیست؟

فریدون خاوند: اجازه بدهید من روی یک نکته تاکید کنم تا ویژگی مسئله مداخله نظامی‌ها در امور اقتصادی تا اندازه‌ای روشن شود. این را باید بدانیم که حضور نظامی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی فقط و فقط مختص ایران نیست. یک پدیده به خصوص جهان سومی است. در بخش بزرگی از کشورهای تازه استقلال یافته آفریقا، آسیا، نظامی‌ها خیلی زود بر سیاست و همزمان با آن بر اقتصاد چنگ انداختند. در ترکیه مهمترین سازمان اقتصادی وابسته به نظامی‌ها که «اویاک» نام دارد، هنوز هم فعالیت‌های زیادی دارد که البته دولت اردوغان در صدد محدود کردن آنهاست. در مصر مثلاً نظامی‌ها ۶۰ سالی است که بنگاهداری می‌کنند. در پاکستان نظامی‌ها حضور زیادی دارند.

در ایران هم نظامی‌ها از بنیاد تعاون ناجا گرفته تا سپاه پاسداران و همین مسئله ناجا که به آن اشاره کردید می‌بینیم که در تمام بخش‌ها از راهسازی گرفته تا بانکداری، توریسم، داروسازی و عرصه‌هایی مثل نفت و گاز شرکت‌های وابسته به نظامی‌ها فعالیت می‌کنند.

در مورد تاثیری که این مسئله روی اقتصاد کشور می‌تواند داشته باشد یک نگاه بدبینانه می‌شود به این قضیه کرد و یک نگاه خوشبینانه. نگاه بدبینانه همان نکاتی است که آقای علیجانی مطرح کردند و درست است. حضور این همه شرکت و این هولدینگ‌های عظیم در اختیار نظامی‌ها باعث می‌شود که دامنه فساد در کشور گسترش پیدا کند. اینها رقیب بخش خصوصی می‌شوند و نکات کلیدی اقتصادی در اختیار اینها قرار می‌گیرد.

آقای خاوند، می‌بینیم که عملاً هیچ بخش مهمی از اقتصاد کشور نیست که این بنیاد و همچنین بنیادهای دیگری مثل تعاون سپاه و آستان قدس رضوی در آنها وارد نباشند. به‌خصوص که این بنیادها متکی به قوه قهریه و اسلحه و زندان هم هستند. بنابراین سوال من این است که چه جایی برای رشد بخش خصوصی باقی می‌ماند و اصولاً این گونه بنیادها فعالیت‌شان به نفع فعالیت اقتصادی کشور است آن طور که خودشان و گردانندگان شان می‌گویند، یا خیر؟

فریدون خاوند: یک جنبه می‌کنم اگر مسئله

شکست خورد. یعنی نزدیکترین دولت به آقای خامنه‌ای فاسدترین دولت درآمد.

به هر حال نظامیانی که وارد اقتصاد شده‌اند، یک بخشی‌شان حتی کارهای عمرانی می‌کنند و می‌توانند همانطور که آقای خاوند اشاره کردند سهیم شوند در توسعه کشور. ولو توسعه اقتدارگرایانه. ولی یک بخش‌هایی‌شان از تحریم‌ها سود بردند و اینها مافیاهایی هستند که خیلی با مذاکرات موافق نیستند.

آقای خاوند، جمع‌بندی شما از این مطالب و فعالیت این گونه بنیادها چیست؟

فریدون خاوند: اراده‌ای متأسفانه در عرصه سیاسی تا به حال دیده نشده برای اینکه جلوی فعالیت‌های این بنیادها و این نهادها گرفته شود. ما می‌بینیم که نمایندگان بخش خصوصی واقعی ایران شکایت می‌کنند از تسلط انبوه این نهادها و به خصوص نظامی‌ها در عرصه اقتصادی ایران و می‌گویند اینها دامنه حضور بخش خصوصی را تنگ می‌کنند.

آقای علیجانی، کلام آخر با شما است. جمع‌بندی شما از این مطالب چیست؟

رضا علیجانی: هرچند شاید خواسته آقای خاوند واقع‌بینانه‌تر از خواسته من باشد، اما من با توجه به تجربه عقب راندن وزارت اطلاعات در دوره آقای خاتمی در حوزه‌های اقتصادی همچنان امیدوارم که حداقل در این مسیر حرکت شود. ما سه تا تجربه منفی داریم. تجربه گروگان‌گیری، تجربه جنگ و تجربه منازعه هسته‌ای.

اگر اولی را روشنفکران متوهم انجام دادند در درون قدرت، دومی و سومی را امنیتی نظامی‌ها کردند و نظامی‌ها کردند.

به نظر می‌رسد آقای روحانی حداقل به این سمت برود که پای نظامی‌ها را از ماجرای هسته‌ای و به ویژه از سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق، در سوریه، در یمن از سپاه قدس بگیرد و اینها را عقب بزند، در حوزه اقتصاد هم عقب بزند، حداقل اینها را وارد یک رقابت سالم بکند که نتوانند از رانت نظامی بودنشان در اقتصاد بهره بگیرند.

قدرت این کار را فکر می‌کنید دولت آقای روحانی دارد؟

رضا علیجانی: در مجلس نمونه‌ای که امیدوارم می‌کند این است که وقتی فشار اقتصادی هست زمزمه اینکه اینها هم باید مالیات بپردازند شنیده می‌شود. بنابراین از منظر اقتصادی ایشان می‌تواند فشار بیاورد که کشور درآمدش بسیار محدود است، و در پرداخت یارانه‌ها مشکل دارند.

از نظر اقتصادی، هم مبارزه با فساد

حضور نظامی‌ها در اقتصاد را که آقای خاوند فرمودند، بخواهیم بررسی کنیم، از زاویه سیاسی فسادشان را بررسی کنیم، یک سری مشکلات ساختاری داریم و یک سری مشکلات مقطعی. چند مورد ساختاری است. یکی اینکه اینها عموماً یعنی نیروی انظمایی، سپاه، اطلاعات سپاه، آستان قدس، بنیاد مستضعفان، اینها متصل به بخش غیرپاسخگویی نظام مستقر قدرت در ایران هستند. یعنی از ولایت فقیه بگیرند تا امام جمعه یک شهر. در حول و حوش اینها محافل بزرگ، نهادهای اقتصادی و غیره وجود دارد. تمامی اینها از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، اما برنامه دولت را نمی‌پذیرند، نظارت دولت را هم نمی‌پذیرند. همانطور که آقای خاوند فرمودند، نه تنها مالیات نمی‌دهند حتی پول آب و برقشان را هم ماموری که می‌رود آب و برق شان را قطع کند می‌گیرند و کتک می‌زنند. در بعضی موارد البته. به هر حال بخش مهمی از اقتصاد کشور از منابع عمومی بهره می‌برد ولی نظارت عمومی را نمی‌پذیرد و برنامه‌ریزی نمی‌پذیرد. این مشکل ساختاری است. ربطی به اینکه کدام دولت سرکار هست ندارد.

باز هم مشکل ساختاری بعدی این است که روحانیت بعد از انقلاب به تدریج دست بالا را در قدرت گرفت. فرهنگ روحانیت در اقتصاد در حد پاکدست‌ترین مراجع هم نوعی مبتنی بر اعتماد است نه انضباط. یعنی در بیت مراجع بزرگ هم اگر خودشان و آقازاده‌هایشان انسان‌های سالم و پاکي بودند اقتصاد بیت‌شان هم سالم بوده. اگر هم نبودند، اقتصادشان ناسالم بوده. حالا همین فرهنگ یعنی فرهنگ مبتنی بر اعتماد نه انضباط وارد ساخت قدرت شده.

یک مشکل ساختاری دیگر فقدان آزادی مطبوعات است. یعنی نظارت جامعه مدنی و افکار عمومی. یک مشکل ساختاری دیگر بودجه‌های امنیتی سری است. یک مشکل ساختاری دیگر این است که اساساً همه جریان‌ها و جناح‌های سیاسی درون سیستم به نوعی خرج فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی را به نحوی از منابع عمومی تامین می‌کنند. اینها ساختاری است.

من شدت شتاب فساد را بعد از سال ۸۸ یک مقدار به این فروپاشی اخلاقی نسبت می‌دهم. ولی در هر حال به نظر می‌رسد که رویای آقای خامنه‌ای که فکر می‌کرد اگر مدیریت کلان سیاسی و اقتصادی کشور را به دست بچه حزب‌اللهی‌های ارزشی بدهد ما می‌توانیم پیش برویم به ژاپن اسلامی برسیم، این رویا



با نزدیک شدن به ماه رمضان و توقف اجرای حکم اعدام در این ماه روند اجرای حکم اعدام در زندان های ایران افزایش پیدا کرده است، بطوری که طی ۵ روز گذشته، دستکم ۶۸ نفر در نقاط مختلف ایران اعدام شده‌اند

به گزارش کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، از روز ۱۷ خرداد ماه جاری تا امروز، مجازات مرگ در رابطه با ۶۸ نفر از جمله ۱ زن در زندان های مختلف ایران و در ملاعام اعمال شده است.

وب سایت نفس در قفس با انتشار این آمار اعلام داشته که در طی این پنج روز ۴۹ متهم به حمل و نقل و یا خرید و فروش مواد مخدر به دار آویخته شده و ۴ تن نیز به اتهام تجاوز در ملاعام اعدام شده‌اند.

طبق این گزارش، ۲ تن از این افراد در روز ۱۹ خرداد ماه در شهر بابک از توابع استان کرمان، ۱ تن دیگر در همان روز در شیراز و نفر سوم نیز روز ۲۱ خرداد ماه در شهر فسا و در مقابل دیدگان مردم به دار آویخته شده‌اند. الباقی زندانیان اعدام شده در این مدت به قتل عمد متهم بوده‌اند.

این شتاب فزایندهی اجرای احکام مرگ در حالی است که رسانه های دولتی تنها ۲۷ مورد از این اعدام ها را گزارش کرده‌اند و موارد دیگر توسط رسانه های مستقل حقوق بشری افشا شده است.

در روز ۱۹ خرداد ماه باشگاه خبرنگاران جوان خبر از اعدام زنی ۳۲ ساله به اتهام قتل داد اما به محل اجرای این حکم اشاره ای نکرد. در این میان ۱۶ تن فقط در زندان قزلحصار کرج به دار آویخته شده‌اند و بنا به گزارش های منتشره ده ها زندانی دیگر در سلول های انفرادی در انتظار چوبه ی دار به سر می برند.

همچنین کمتر از ۲ هفته پس از آنکه رییس دادگستری استان هرمزگان ماندن زندانیان محکوم به اعدام را در زندان «ناصریح» دانسته و خبر از تعیین تکلیف این محکومین تا پایان نیمه ی اول امسال داده بود، ۸ زندانی در روز ۱۸ خرداد ماه در زندان بندرعباس به طناب های دار سپرده شدند

افزایش بی سابقه ی اجرای احکام اعدام در ایران نگرانی محافل حقوق بشری را دامن زده و انتقادات شدیدی را به همراه داشته است. (۲۰۱۵/۶/۱۳)

رلیز

که انسانهای مورد زجر و ستم و تجاوز قرار گرفته و خون عزیزان خود را از دست داده اند قادر به نوسازی افکار پوسیده و ارتجاعی خود خواهند شد. عصر روشنگری جدیدی در ایران فرارسیده است و در موفقیت این امر تلاش کنیم.

تفسیر روز - ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴



تشدید اعدام ها در ایران... بقیه از صفحه اول

داغدار کشته شدن به ناحق فرزندان شان نموده است. نظام سرمایه داری ایران تحت هدایت آخوندهای جاهل درازبین بردن انواع مشکلات مادی و معنوی مردم نه تنها ناتوانی خود را به تمامی نشان داده اند، بلکه از تاریخ چند دهه حکومت خود نیز نیاموخته و راه حل تداوم حاکمیت خونین شان را به خون ریزی دائمی گره زده اند. جالب این که در این میان آفتابه دزدها سریعاً به میدان اعدام فرستاده می شوند و آیت الله ها و آقازاده های شان در انجام انواع خلاف کاری یا پای شان به دادگاهها نمی رسند و یا بعضاً در صورت اجبار به احضار به احکام سنگین به ندرت محکوم می شوند.

دفاع از حق حیات انسانها افشای عمل کرد قرون وسطائی حاکمان در انظار مردم جهان، ایجاد جبهه متحد جهانی علیه این بربریت رژیم و قطع رابطه با آن جهت پایان دادن به سلاخی گریها که فقط محدود به اعدامها نشده و قبل از آنها شکنجه های وحشیانه زندانیان و به ویژه زندانیان سیاسی به قدری شایع و گسترده بوده که افشای آنها در مدارس و بالابردن درک کودکان از قساوت گری مذهبی وظیفه ای تخطی ناپذیر به بعداز سرنگونی رژیم و برپائی آزادی فرح بخش سوسالیسم باید صورت بگیرد تا مردم به دنبال بیهوده گونیهای مشتکی آخوند دروغگو نرفته و برای همیشه حاکمیت نظام سرمایه داری و مذهبی را از تاریخ ایران و حتا جهان محو نمایند تا مردم در فضای آزاد سوسیالیستی زنده گی کرده و از امنیت جانی و احترام برخوردار شوند.

در زیر گوشه ای از اخبار کشت و کشتار رژیم جمهوری اسلامی را می آوریم با این امید که توده های میلیونی در ازبین بردن این عمل شنیع اعدام و سرنگون ساختن رژیم حاکم بر ایران را در دستور کار خود قرار داده و با سکوت خود دست این وحشیان را درکشتار مردم و به ویژه جوانان آزاد نگذارند:

و هم منضبط کردن اینها و هم کاهش بودجه های شان از نظر من امکان پذیر است. ولی این سخت تر از حتی رفع حصر از رهبران جنبش سبز است. سخت تر از آزادی زندانیان سیاسی است که آن هم حق جامعه مدنی است. آقای روحانی به پشتوانه اینهاست که می تواند وارد یک مقدار طناب کشی اقتصادی با بخش های قدرتمند سیاسی هم بشود. ۱۳۹۴/۳/۴

ترفند جدید پاک کردن صورت مسئله با جایگزین کردن فرماندهان قدیم!

پیک نت: تغییراتی در فرماندهی نیروی انتظامی جریان یافته که تأیید کننده کشف شبکه های فساد و اختلاس در این نیرو و بازداشت فرمانده سابق نیروی انتظامی است. ظاهراً فرمانده جدیدی که به جای احمدی مقدم منصوب شده و گفته می شود از چهره های امنیتی نیروی انتظامی است نیز تأیید کننده تصفیه هائی است که در نیروی انتظامی جریان دارد اما اعلام نمی شود. این مسئله با توجه به خطراتی که خود نظامی ها و غیر نظامی های حکومت در هفته و بویژه روزهای اخیر درباره خطرات جنگی از آن صحبت می کنند گویا جدی است و به همین دلیل آخرین انتصابات جدید در نیروی انتظامی که روز گذشته اعلام شد را باید در همین ارتباط ارزیابی کرد. با موجب انتصابات، طی حکمی از سوی فرمانده جدید نیروی انتظامی، رؤسای جدید پلیس راهور و پلیس پیشگیری معرفی شدند. سردار تقی مهری که پیش از این رئیس پلیس پیشگیری ناجا بوده به سمت رئیس پلیس راهور منصوب شد و سردار شرفی به عنوان رئیس جدید پلیس پیشگیری. سردار شرفی پیش از این فرمانده نیروی انتظامی آذربایجان غربی بوده است. ۵ خرداد ۱۳۹۴ - آسمان دیلی نیوز

بدین ترتیب هر روزی که می گذرد دریای فساد و جنایات رژیم علا رغم مخفی کاریهای کبک وار سران رژیم عیان تر شده و مردم باروشنی تمام می بینند که در پشت جانماز آب کشیدن های آنان، ابر دزدان اموال بیت المال مردم خوابیده اند و باید هرچه زودتر اموال آنان ضبط شده و مورد محاسبه دقیق براساس "از کجا آورده ای!" قرار گیرند.

فقط با چنین کاری می توان نشان داد که دین تنها افیونی است که مردم را به خواب برده و در فرصت بدست آمده شاه دزدان آخوندی ماهرانه وارد کارزار شده و ره صدساله میلیونرهای گذشته را در یک چشم به هم زدن پیموده اند. با چنین درایتی است

تتها در سوسالیسم زندانها تبدیل به آموزشگاه می شوند!



سرمایه داری سرمنشاء ناعدالتیهای امروز است!

محمد باقر نوبخت رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با بیان این که مسوول برنامه ریزی کشور هستم، خاطر نشان کرد: دولت نهم و دهم طی هشت سال بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار از محل فروش روزانه چهار میلیون بشکه نفت به ارزش هر بشکه ۱۰۸ دلار درآمد داشته و خورده شد و چیزی باقی نمانده است. ۱۳۹۴/۳/۹- بیک ایران

۹۶ هزار میلیارد تومان سهام عدالت در دستان مافیای ۲۵۰ نفری!

یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اظهارات متفاوتی را درباره «سهام عدالت» مطرح کرد. به گزارش ایسنا، محمدرضا پورابراهیمی در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی در تذکری به رئیس مجلس گفت: موضوع تحقیق و تفحص از بنیاد تعاون ناجا سال گذشته مطرح شد ولی تا امروز یک صفحه گزارش به دست ما نرسیده است.

وی با بیان این که «درباره سهام عدالت به آقای رئیس جمهور نامه نوشتیم» مدعی شد: در حال حاضر سهام عدالت مرکز فساد اقتصادی در کشور شده است و ۹۶ هزار میلیارد تومان ارزش سهام عدالت در دستان یک مافیای ۲۵۰ نفری قرار گرفته است، چه کسی پاسخگوست؟

وی همچنین در تذکر شفاهی به وزیر تعاون و کار و رفاه اجتماعی درباره آنچه «عدم تعیین تکلیف حقوق ۸۸ هزار بازنشسته صنعت فولاد کشور» خواند، انتقاد کرد.

این نماینده مجلس ادامه داد: امروز نامه‌ای در کازبوی همه نمایندگان گذاشته شده است و آقایان از وزارت رفاه نوشته‌اند که رئیس سازمان تامین اجتماعی همزمان با ریاست این سازمان، مسئول صندوق بازنشستگی فولاد کشور نیز شده است که این خلاف مقررات است. من نمی‌دانم مگر در این کشور قحط الرجال است که این طور رفتار می‌کنند.

وی معتقد است: در وزارتخانه‌ی تعاون، کار و رفاه اجتماعی سوء تدبیر وجود دارد.

۱۳۹۴/۳/۱۷

ناپدید شدن ۵ هزار میلیارد تومان

مؤسسات غیررسمی شده است اما تنها فربه شدن این مؤسسات خطر نیست بلکه به دلیل رهایی آن‌ها از نظارت بانک مرکزی، سیاست‌هایی را در مدیریت منابع مالی در پیش می‌گیرند که هر لحظه خطر فروپاشی این مؤسسات و از بین رفتن پول سپرده‌گذاران افزایش می‌یابد. این خطر همچون یک بهمن در حال بزرگ‌تر شدن است. فروریختن و انفجار این بهمن، تنها مسئله‌ای مربوط به زمان است و گر نه وقوع آن حتمی است.

گفته‌های لیلاز نشان می‌دهد که یکی از مؤسسات غیرمجاز ۱۲ هزار میلیارد تومان نقدینگی در اختیار دارد که پس از حسابرسی‌ها تنها تکلیف ۷ هزار میلیارد تومان از این نقدینگی‌ها روشن شده است. لیلاز در این مورد می‌گوید: اخیراً شنیده شده که بانک مرکزی رسیدگی حساب‌های یکی از این مؤسسات را مورد بررسی قرار داده است. مشخص شده که این موسسه ۱۲ هزار میلیارد تومان سپرده مردمی جذب کرده است. با توجه به سود بیشتری که به دلیل عدم سپرده‌گذاری نزد بانک مرکزی پرداخت شده، این میزان قابل توجه سپرده جذب این موسسه شده است که از بسیاری بانک‌های رسمی بیشتر است. نکته اینجاست که در بررسی‌های انجام شده تنها نشانی ۷ هزار میلیارد تومان از این پول‌ها پیدا شده است و احتمالاً ۵ هزار میلیارد تومان از این منبع ناپدید شده است. احتمالاً از اصل سپرده‌ها به عنوان سود میان اعضا تقسیم شده است. درست مثل شرکت‌های مضاربه‌ای که اواخر دهه ۶۰ وجود داشت.

سعید لیلاز ادامه داد: اگر سپرده‌گذاران این موسسه متوجه شوند و تصمیم بگیرند پول خود را برداشت کنند با فروپاشی در بازار پول مواجه خواهیم شد. این موضوع مانند یک بمب ساعتی است که زمان انفجارش را نمی‌دانیم. مسئله فقط پولی و اقتصادی نیست. تنها بانک مرکزی و دولت درگیر این ماجرا نیستند بلکه مستقیماً با امنیت ملی سر و کار دارد. این موضوع باید فوراً مورد توجه قرار گیرد. انتقاد از بانک مرکزی در این زمینه رد گم کردن است چرا که این نهاد ابزار قانونی برای برخورد ندارد. موضوع بزرگتر و مهمتر از آن است که بانک مرکزی به تنهایی بتواند با آن مقابله کند.

سعید لیلاز با تأکید بر اینکه باید تمام قوا برای مقابله با فعالیت مؤسسات غیرمجاز متحد شوند، گفت: ادامه فعالیت این مؤسسات باید تحت پوشش بانک مرکزی قرار گیرد. برخی از این مؤسسات به دستگاه‌ها یا

ماجرای ادامه فعالیت مؤسسات غیرمجاز ابعاد تازه‌تری به خود گرفته است. آخرین گزارش‌ها نشان می‌دهد که ۶ موسسه غیرمجاز مالی و اعتباری ۱۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی در اختیار دارند. بر همین اساس به تازگی رئیس کل بانک مرکزی از ارجاع پرونده این مؤسسات به دادگاه‌های ویژه خبر داده است. مدتی پیش از انتشار این خبر نیز اطلاعاتی در مورد بررسی پرونده این مؤسسات در شورای عالی امنیت ملی منتشر شده بود.

به گزارش خبرآنلاین، وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز چندی پیش در مراسمی که اتاق ایران میزبان آن بود، گفته بود: «وقتی یک ماست بندی غیرمجاز راه اندازی می‌شود، بخش‌های نظارتی به سرعت با آن برخورد می‌کنند ولی با مؤسسات غیرمجاز برخورد نمی‌شود.» بررسی‌ها نشان می‌دهد که راه اندازی یک واحد صنفی ماست بندی حداقل به شش نوع مجوز نیاز دارد ولی در همین شرایط راه اندازی موسسه مالی و اعتباری حداکثر با سه نوع مجوز امکان پذیر است. در همین حال سعید لیلاز، کارشناس اقتصادی ضمن هشدار نسبت به وضعیت مؤسسات مالی غیرمجاز به سایت صدای اقتصاد گفته است: خطری که از جانب مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز، کشور را تهدید می‌کند مانند احتمال زلزله در تهران است. اولاً به دلیل رفتاری که در مدیریت این مؤسسات در پیش گرفته شده، حتماً این زلزله در نظام پولی کشور رخ می‌دهد؛ ثانیاً، به غیر از فروپاشی کامل نظام پولی، چالش امنیتی برای کشور به دنبال خواهد داشت.

وی ادامه داد: اهمیت این سخن که حدود ۲۰ درصد از منابع پولی و بانکی کشور تحت کنترل و نظارت بانک مرکزی قرار ندارد، بسیار بالا است. مؤسسات مالی غیرمجاز سپرده قانونی نزد بانک مرکزی تودیع نکرده‌اند به همین دلیل هزینه تمام شده پول برای آن‌ها کاهش پیدا کرده است و این امکان را دارند که سپرده‌ها را با نرخ سود بالاتری جذب کنند. این مؤسسات توجهی به سیاست‌های ابلاغی بانک مرکزی ندارند. بر این اساس با نرخ سود بالاتر سپرده می‌گیرند با نرخ بالاتر تسهیلات می‌دهند. مردم هم از روی سادگی منابع خود را از بانک‌های رسمی خارج می‌کنند و به این مؤسسات می‌برند. استفاده از نام ائمه اطهار برای این مؤسسات موجب شده تا مردم اطمینان پیدا کنند.

لیلاز افزود: این رویه منجر به فربه شدن



اما پیمان در جواب به این استدلالها هم جواب خودش را دارد او می گوید کتاب زدها معمولا افراد کتاب خوان حرفه ای هستند که ریسک دزدیدن کتاب را به جان می خرند و گرنه دزدیدن کتابی که در گرانترین حالت ۵۰ هزار تومان است چه ارزش مالی دارد. اما نکته اینجاست که من و امثال من به صنعت نشر کمک میکنیم چون خیلی ها از دوستان و اشنایان هستند که نظر من برایشان مهم است و وقتی از کتابی تعریف کنم یا در فیسبوکم بنویسم اقدام به خرید آن می کنند خب این کمک به صنعت نشر کتاب است.

نکته دیگری که من همیشه به او گوشزد می کنم این است که کسی که مزه دزدی زیر زبانش برود دزد می شود و فرقی نمی کند دزدی کتاب باشد یا چیز دیگر، به او می گویم باید مواظب باشد که در آینده به سمت دزدی چیزهای دیگر نرود. پیمان همیشه از این حرف من ناراحت می شود و می گوید این توهین آمیز است چون من فقط کتاب می دزدم که بخوانم و صرفا برای افزایش دانش و آگاهی این کار را می کنم احمق نیستم که برای شکم هم مشابه این کار را بکنم. البته به نظر من جواب او قانع کننده نیست.

پیمان البته می گوید تا حالا چند باری سابقه داشته که حین دزدی کتاب کارش لو برود و یکی دو بار هم مسوولان غرفه ها مچ او را گرفته اند اما در نهایت همه چیز بدون مشکل خاصی تمام شد. طبق گفته او حتی خود مسوولان غرفه ها هم با کتاب زدها برخورد بهتری دارند و اینطور نیست که آنها را به چشم دزد معمولی ببینند.

او درباره شیوه های کارش هم می گوید هر بار و در هر جا روش متفاوتی را امتحان می کند اما رایجترین کار این است که در جایی که شلوغ باشد یک کتاب را از روی پیشخوان غرفه ها بر می دارد و ورق می زند و بعد از جلوی میز کمی عقب می رود تا فرد یا افراد دیگری جلوی او بایستند و بعد از فرصت استفاده می کند و با کتاب دور می شود. آسمان دیلی نیوز ۹۴/۲/۲۷

مقایسه دزدیهای میلیارد تومانی و دزدی کتاب نشانی است از خاصیت نظام متکی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله که باید بی درنگ از قدرت به زیر کشیده شود. به گزارش زیر توجه کنیم.

رنجبر

گزارشی درباره فردی که برای پرداخت بدهی، تمام اعضای بدنش را به فروش گذاشت



می کند. پیمان ادامه میدهد: «همیشه همه از کتاب دزدی و کتاب زدها حرف زدن و گفتن که باید باهاشون برخورد بشه اما یک بار یکی حرف ما را نشنید که بیاد ببرسه مرگ ما چیه که میایم و کتاب می دزدیم.» پیمان یکی از دوستان من است و ما همیشه در باره همین قضیه با هم بحث می کنیم. من با کارش مخالفم و او خودش از این کار دفاع می کند.

بحث های همیشگی و دایمی ما در باره ماجرای کتاب دزدی به خصوص وقتی نمایشگاه کتاب هم شروع می شود داغتر از همیشه است. به همین دلیل الان فرصت خوبی است که از همین بحث های ما یک گزارش آماده کنم و برای شما بفرستم تا بقیه هم بخوانند.

چیزی که من همیشه به پیمان می گویم این است که دزدی دزدی است و فرقی نمی کند کتاب دزدی یا ماشین دزدی یا دزدیدن هر چیز دیگری، کسی که دستش به دزدی باز شد امکان دارد هر چیز دیگری هم بدزدد. اما خودش این موضوع را رد می کند و می گوید اصلا اینطور نیست و من فقط کتاب می دزدم که بخوانم و کاری با چیزهای دیگر ندارم به غیر از این اگر کسی از من کتاب هایی که خوانده ام را بخواهد حتما به او میدهم.

او در دفاع از کار خودش اینطوری توضیح میدهد: تو من را می شناسی، خانواده ما فقیر است و پدرم هم یک کارمند معمولیه که پول چندانی ندارد برای من هزینه کند. از طرفی من همیشه به مطالعه علاقه داشتم، درباره تیاتر، سینما، شعر، فلسفه، جامعه شناسی و ... کتابهای خواندنی زیادی هم در این باره هست که من علاقمندم بخوانم، بالاخره خود مدیران انتشاراتی ها هم همیشه یک مبلغی را به عنوان پرتی کار حالا میخواند دزدی باشه یا خراب شدن و آسیب دیدن کتاب کنار می گذارند خب این رو به حساب اون بگذارید.

ولی من به پیمان می گویم این دلیل نمی شود که چون صاحب انتشاراتی بخشی را به این عنوان اختصاص می دهد تو یا کسانی دیگر بروید و بدون اجازه کتاب بدزدید، به هر حال تولید کتاب هزینه های مالی دارد، پول کاغذ حق نویسنده یا مترجم، ویراستار، تایپيست، هزینه فروشگاه و چاپ و ... هزار چیز دیگر تیراژ کتابها هم که اغلب پایین است در این شرایط دزدیدن کتاب ضربه و آسیب به صنعت نشر است و این برای کسی که علاقمند کتابخوانی است باید زنگ هشدار باشد.

◀ نهادهایی وابسته اند که ذاتا کنترل پذیر نیستند. گردانندگان این موسسات تمام روابط خود را به کار می بندند تا زیر تیغ نظارت بانک مرکزی قرار نگیرند. از لابی های خود استفاده می کنند تا حداقل تیغ نظارت را کند کنند به همین دلیل ساماندهی این موسسات نیاز به تصمیم بزرگ و تلاش فوری و جدی قوای سه گانه دارد. بانک مرکزی به تنهایی قادر به این کار نیست.

وی ادامه داد: در این شرایط برخی به بانک مرکزی انتقاد کرده اند که چرا این موسسات را سامان نداده است در حالی که وقتی این بانک لیست موسسات مجاز را اعلام می کند به این معنی است که سایر موسسات غیرمجازند و برخورد با آنها از سوی ضابط قضایی باید انجام شود. به عنوان مثال اگر یک واحد صنفی طبخ می بدون مجوز از اتحادیه کار کند، اتحادیه آن را پلمب نمی کند بلکه آن را به ضابط قضایی معرفی می کند و از این طریق آن واحد از ادامه فعالیت محروم می شود.

لیلاز گفت: بانک مرکزی از طرفی برای سامان دادن نظام پولی و بانکی کشور تحت فشار است و از طرف دیگر ابزارهای کافی برای این کار در اختیار ندارد. بدون کمک قوه قضاییه و قوه مقننه این امکان برای بانک مرکزی وجود ندارد که با این موسسات بجنگد.

پیش از این مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران نیز از بانک مرکزی درخواست کرده بود تا تکلیف موسسات مالی غیرمجاز را روشن کنند. خوانساری در این مورد گفته بود: مسولیت تعیین تکلیف موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز با بانک مرکزی است.

بنابراین این نهاد باید در مورد موسسات تصمیم گیری کند. نکته بسیار مهم این است که این موسسات نظم بازارهای مالی کشور را برهم ریخته اند.

گزارش های رسمی نشان می دهد که بانک مرکزی قصد دارد با همکاری قوه قضاییه به مبارزه با شش هزار موسسه مالی و اعتباری غیرمجاز در کشور برود. در حال حاضر تنها یک هزار موسسه مالی و اعتباری مجاز در کشور فعالیت می کنند.

آسمان دیلی نیوز- ۱۳۹۴/۳/۱۷

«پول ندارم کتاب بخرم، می دزدم!»

ایران وایر: «صاف و پوست کنده بگم، من اهل مطالعه و کتاب خوندنم، خیلی هم برام مهمه ولی پول ندارم کتاب بخرم. قیمتت رو هم که می بینی، چیکار کنم؟» این حرفهای پیمان پسر جوانی است که اهل کتاب دزدی از نمایشگاه است و از کار خودش دفاع هم



سایت نظر نیوز: اگر چه در گذشته صحبت از خرید و فروش کلیه، بیشتر در فیلم‌ها مطرح بود و کمتر در واقعیت دیده یا شنیده می‌شد اما این روزها به راحتی می‌توان آگهی‌های خرید و فروش کلیه و دیگر اعضای بدن را مشاهده کرد، با دلالت آن به صحبت نشست و یا حتی به راحتی در فضای مجازی و سایت‌های مرتبط از قیمت خرید و فروش و جزئیات آن آگاه شد. فروشی که بیشتر از سر فقر و ناچاری است. در این گزارش به زندگی و مشکلات شهرام ۳۵ ساله پرداخته شده است، فردی که می‌گوید: تو دنیا فقط سه چیز برایم مهمه اول بدهی‌هام، دوم بدهی‌هام و سوم دخترم. امیدوارم روزی برای کلیه، کبد، قریه یا قلبم مشتری پیدا بشه تا بتوانم بدهی‌هام را تسویه کنم و یا دخترم را پس بگیرم یا جایی در بهشت زهرا برای خودم بخرم.

در این گزارش مردی برای پرداخت بدهی خود حتی حاضر شده قلب خود را با یک بیمار نیازمند پیوند، تعویض کند. شهرام ۳۵ ساله آنطور که می‌گوید اولین سازنده امان‌های قرآنی در کشور بوده و با شهرداری اراک در این زمینه قراردادی را منعقد کرده ولی شهردار جدید اراک تعهدات قرارداد را نپذیرفته و ۵۰ میلیون تومان متضرر شده است.

شهرام همان موقع تصمیم گرفته که یک شرکت تعاونی در بخش مشاغل خانگی تاسیس کند. در آن زمان عده‌ای زنان بی‌سرپرست و بد سرپرست به عضویت این تعاونی درآمدند و در محیط کارگاه و یا منزل حیوباتی را که به صورت مستقیم از کشاورز خریدار می‌شد را دسته‌بندی می‌کردند.

شهرام می‌گوید: در همان موقع شخصی وارد سیستم کاری من شد و قرار شد شرایط دریافت وامی را برای من محیا کند اما متأسفانه آن شخص از یک فقره چک من سوء استفاده کرد و بدهی هنگفتی را برای من به جا گذاشت.

او می‌گوید: قبل از این ماجرا کارگاه من به سرقت رفته بود و من اصلاً متوجه نشده بودم که چند فقره چک نیز جزو اموال به سرقت رفته من بوده اما وقتی به خودم آمدم و نامه اداره آگاهی و دادسرا را گرفتم متوجه شدم چک‌های من خرج شد و این افراد به وسیله کارچاق کن‌های دادگستری همه چیز را به نفع خود خریده‌اند و در کمتر از ۴۰ روز رای دادگاه به نفع آن‌ها صادر شد و تمام اموال من به مصادره درآمد و به صورت مزایده‌ای بفروش رسید.

شهرام ادامه می‌دهد: آن زمان من با ارسال نامه‌ای از رئیس جمهوری وقت آقای احمدی‌نژاد، رحیم مشایی، آقای بقایی و تمام وزرا و اکثر نماینده‌های مجلس، رئیس مجلس و بسیاری از مراجع قم درخواست کمک کردم تا روند رسیدگی به پرونده من را مورد بررسی قرار دهند اما هیچ کدام از این نامه جوابی برای من نداشت البته برخی از این افراد تماس گرفتند و مدارک خواستند و وقتی مدارک ارسال کردم می‌گفتند در پرونده شما اعمال نفوذ شده است. من بعد از این ماجرا به صورت کامل ورشکسته شدم. بعد از این اتفاق، همسرم برای مدتی تحمل و مقاومت کرد اما بعد از مدتی حتی من را از دیدن دخترم محروم ساخت.

شهرام از خاطره‌ای که باعث شده به فکر فروش اعضای بدنش بیافند می‌گوید: چند سال پیش در قطار با آقای آشنا شدم که به دلیل بدهی، کبد خود را به قیمت ۱۷۰ میلیون تومان بفروش رسانده از همان جا من هم به فکر فروش کلیه و کبدم افتادم و با پزشکان بسیاری در داخل و خارج کشور مشورت کردم و همه می‌گفتند پیوند کبد از فرد زنده امکانپذیر است اما عوارض بسیار بالایی دارد که من هم با آزمایشاتی که انجام دادم متوجه شدم هیچ مشکلی برای پیوند کبد و کلیه ندارم. بلافاصله آگهی فروش کبد و کلیه‌ام را در شیراز، اصفهان و تبریز منتشر کردم و از همان روزهای اول تماس‌ها به من شروع شد به طوری که هفته دوم روزانه ۲۰۰ نفر که نیمی از آن‌ها افرادی بودند که فحاشی و توهین می‌کردند با من تماس می‌گرفتند. حتی برخی پزشکان، روسای بیمارستان و نایب رئیس‌ان بیمارستان با من تماس می‌گرفتند و می‌گفتند اگر صبر کنی کبد و کلیه‌ات را به قیمت خوبی برایت می‌فروشیم.

وقتی از تماس‌هایی که برایش دردرساز شده سوال کردیم، گفت: یک بار خانمی که خود را بیمار معرفی کرد با من قرار گذاشت تا مدارک را به پزشکش نشان بدهم. اما وقتی سر قرار حاضر شدم آقای با من احوالپرسی کرد و خود را همسر خانم معرفی کرد و بلافاصله شروع کرد به کتک زدن من، در همان لحظه خانمی از ماشین پیدا شد و همانطور که با صدا بلند می‌خندید و از کتک خوردن من لذت می‌برد از صحنه فیلمبرداری می‌کرد و بعد گوشی و پول اندکی که تمام سرمایه من بود را به سرقت بردند.

وی افزود: به مدت یک ساعت و نیم زیر پل گیشا افتاده بودم و اعضای تمام صورتم

خونریزی داشت تا اینکه به کمک عابری با یکی از دوستانم تماس گرفتم زمانی که دوستم آمد به پلیس زنگ زدیم و ۳ ساعت آنجا ماندیم اما هیچ خبری نبود و وقتی حضوری با پاسگاه رفتم و علت قرار را گفتم با ناسزا من را بیرون کردند. این دسته تماس‌ها بارها در تهران و شیراز برای من اتفاق افتاد و هر بار عابران پیاده یا بی‌تفاوت از کنار صحنه کتک خوردن عبور می‌کردند، یا سوت می‌زدند و جیغ می‌کشیدند و یا سریع فیلمبرداری می‌کردند و هیچ کس به کمک من نمی‌آمد.

شهرام می‌گوید: در این مدت مشتری و دلال‌های بسیاری از ترکیه، انگلیس، مالزی و دبی با من تماس گرفتند اما من با دیدن بیمارانی که در کشورم نیازمند پیوند هستند نتوانستم پیشنهادهای آن‌ها را قبول کنم. بسیاری از افراد با شنیدن ماجرای زندگی من به من گفتند یا فرار کن یا برو زندان اما من نمی‌توانم خودم را به راحتی خلاص کنم و پول زنان بی‌سرپرست را که من اطمینان داشتند را فراموش کنم چون به تازگی متوجه شدم یکی از این خانم‌ها به علت تنگدستی درگیر برخی آسیب‌های اجتماعی که مورد قبول عرف و اخلاق جامعه نیست دست تن داده است. پس من نمی‌توانم به راحتی به زندان بروم و پول این زن را پرداخت نکنم. افرادی نیز با من تماس داشتند که خود را از حفاظت اطلاعات و وزارت بهداشت معرفی کردند اما هیچ کدام هیچ کمکی نکردند.

وقتی از او سوال شد که آیا در این مدت خیرین نیز با شما تماس داشته‌اند، گفت: مگر خیری هم در دنیا وجود دارد! یکبار خیری که ادعا می‌کرد بدهی من مبلغی برایش نیست بعد از گذشت چند روز و گرفتن تاییدیه از صحبت‌ها و مدارک من، گفت: فقط می‌توانم کاری کنم ۵ میلیون تومان وام بگیرم.

شهرام که دلش از همه چیز و همه کس پر بود با گریه گفت: هر آدمی یکبار می‌میرد ولی من روزانه هزار بار پشت تلفن می‌میرم. خیلی از خانم‌ها با من تماس می‌گیرند و می‌گویند که سرپرست خانواده هستند و از عهده مخارج بر نمی‌آیند و راهنمایی می‌خواهند که چگونه می‌توانند کلیه و کبدشان بفروشند. زنانی که به دلیل ترس از آسیب‌های اجتماعی و سوء استفاده‌های برخی افراد از جنسیتشان، نمی‌دانند چگونه باید بار خانواده را به دوش بکشند یا دختران نوجوانی که به دلیل کمک به خانواده راضی هستند تن به هر کاری بزنند تا فقط دلالت پول بیشتری به آن‌ها پرداخت کنند.

او می‌گوید: از پخش آگهی ناامید



نخواهم شد و قصد دارم از جاده چالوس تا مرزن آباد پیاده بروم و با اسیری رنگ تمام کوه‌ها آگهی خودم را منتشر کنم تا شاید از بین هزاران مسافر یک نفر خریدار واقعی باشد.

تو دنیا فقط سه چیز برایم مهمه اول بدهی‌هام، دوم بدهی‌هام و سوم دخترم. امیدوارم روزی برای کلیه، کبد، قرنیه یا قلبم مشتری پیدا بشه تا بتوانم بدهی‌هام را تسویه کنم و یا دخترم را پس بگیرم یا جایی در بهشت زهرا برای خودم بخرم. ۳ خرداد ۱۳۹۴ - آسمان دلی نیوز

[درشرایطی که هرروز خبرمیلیونها و میلیاردها دلار از بیت المال دزدی صورت می‌گیرد و این ابرزدان چندان مورد رفتن زیر حساب و کتاب قوه قضائیه قرار نمی‌گیرند، اما کودکی که میل خواندن کتاب را دارد و افرادی هم که حاضر به ناقص کردن خود برای پرداخت قرضهای شان هستند مورد تهاجم و تجاوز زورگویان قرار می‌گیرند و در صحنه های دلخراش هم گرفتار می‌شوند. چنین است عدالت در جامعه سرمایه داری با ایده نولوژی مذهبی که در آن شقاوت بی حدشده است! رنجبر]

رسوایی مالی اصولگرایان در شهرداری اصفهان

عبرت نیوز: طی روزهای گذشته خبرهای ضد و نقیضی از بازداشت چند نفر از مدیران شهرداری اصفهان توسط دستگاه قضایی منتشر شده است.

انتشار خبر بازداشت چند نفر از افراد مرتبط با یک شبکه فساد مالی و اقتصادی در شهرداری اصفهان طی روزهای اخیر موضوعی است که در شبکه های اجتماعی خصوصا گروههای فعال در « واتس آپ و وایبر » به آن پرداخته می‌شود. و بر اساس شنیده ها و اخبار واصله با تلاش سربازان گمنام امام زمان عج شبکه ای که گویا مرتکب مجموعه ای از تخلفات مالی سنگین و فساد اقتصادی و مالی شده بودند کشف و به دستگاه قضایی معرفی شده اند.

تا زمان انتشار این خبر شورای شهر اصفهان که در حال حاضر در اختیار اصولگرایان است و همچنین شخص شهردار که یکی از چهره های شاخص جامعه مهندسين و مورد حمایت باهنر است در این خصوص واکنشی نشان نداده اند.

سقائیان نژاد از چهره های مشهور اصولگرای اصفهان است که برای چندمین بار توانسته با حمایت شورای شهر بر کرسی شهرداری بنشیند و به نظر می‌رسد با افشاء و قطعیت یافتن این رسوایی مالی امکان ادامه فعالیت وی وجود نداشته باشد.

۱۳۹۴/۲/۷ پیک ایران

فروش عینک‌های ۱۸ میلیونی در پایتخت!

بسیاری از افرادی که از روی اجبار یا برای محافظت از چشمان خود از عینک استفاده می‌کنند شاید هیچگاه باور نکنند که این وسیله می‌تواند با قیمتی حدود ۱۸ میلیون تومان هم فروخته شود. در حالی که بخش عمده‌ای از عینک‌ها از چین وارد می‌شوند و در مقابل دیگر عینک‌ها با قیمت بسیار پایینی فروخته می‌شوند.

به گزارش خبرنگار ایسنا، استفاده از عینک، چه طبی و چه آفتابی در مرحله اول برای محافظت از چشم و بهبود بینایی مورد توجه قرار می‌گیرد اما همین کالا می‌تواند جنبه کالای لوکس پیدا کند بعضا با قیمت‌های نجومی به فروش برسد.

گشتی در یکی از بازارهای عینک در تهران نشان می‌دهد که هر کدام از مغازه‌های عینک‌فروشی شیوه کاری خود را دارند؛ برای مثال برخی از این مغازه‌ها فروش عینک را از ۷۰ هزار تومان آغاز می‌کنند و در نهایت قیمت‌هایی در بازه یک میلیون تومان در ویترین آن‌ها به چشم می‌خورد. از سوی دیگر برخی مغازه‌ها عینک‌هایی با قیمت‌های بالاتر و تا نرخ ۱۰ میلیون تومان نیز در همان محل عرضه می‌کنند.

یکی از فروشندگانش در این زمینه به ایسنا می‌گوید کسی که به دنبال خرید عینک باشد، می‌تواند با ۱۰۰ هزار تومان نیز یک عینک قابل استفاده بخرد اما برخی از مشتریان به دنبال خرید عینک با برندهای خارجی هستند که همین امر قیمت عینک را بالا می‌برد.

فروشنده دیگری نیز می‌گوید بعضا عینک‌های خاص با قیمت‌های ۱۷ تا ۱۸ میلیون تومان نیز می‌فروشد که البته این عینک‌ها مشتریان خاص خود را دارد.

به گفته او اغلب مردم عینک‌هایی را در بازه ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان برای خرید انتخاب می‌کنند که کیفیت و طراحی خوبی دارد.

نگاهی به آمار واردات عینک آفتابی در اولین ماه سال جاری نشان می‌دهد که ۱۶۴۶ کیلوگرم از این نوع عینک به ارزش ۳۸ هزار و ۳۱ دلار به کشور وارد شده که بخش عمده این واردات از کشور چین بوده است.

در همین میان اختلاف قیمت عینک‌های وارد شده از چین با کشورهای دیگر نیز بسیار محسوس است؛ به طوریکه ۱۲۴۸ کیلوگرم عینک از چین به ارزش ۱۲ هزار و ۳۲ دلار وارد کشور شده، در حالی که واردات تنها ۲۰۰ کیلوگرم عینک در این مدت از ایتالیا ارزشی برابر ۱۶ هزار و

۳۰۹ دلار داشته است.

همین امر در زمینه عینک‌های طبی نیز صدق می‌کند؛ به گونه‌ای که از مجموع ۳۶۴۷ کیلوگرم عینک طبی وارد شده به کشور به ارزش ۶۱ هزار و ۸۷۳ دلار معادل ۳۲۵۵ کیلوگرم آن از چین وارد شده که تنها حدود ۱۶ هزار دلار از کل واردات را شامل می‌شود و ۳۹۲ کیلوگرم از عینک‌های وارد شده از جمهوری کره سهم ۴۶ هزار دلاری از واردات دارد.

به این ترتیب به نظر می‌رسد که عینک‌های وارد شده از کشور چین قیمت بسیار پایین‌تری نسبت به عینک‌های وارد شده از دیگر کشورها دارند.

به این ترتیب مشاهده عینی از بازار عینک نشان می‌دهد که عینک‌های آفتابی و طبی بازه قیمتی در حدود ۷۰ هزار تومان تا ۱۸ میلیون تومان دارند که البته عمده مردم عینک‌هایی با قیمت ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان می‌خرند. ۱۳۹۴/۲/۲۷

بدهی ۶۰ میلیاردی یک آقازاده به وزارت رفاه؛ قصد پرداخت ندارد!

ایلنا: وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی فردا روز نسبتاً شلوغی در پیش دارد. صبح فردا علی ربیعی نخست باید در دادگاه حاضر شود و در مقابل شکایت سعید مرتضوی، مدیرعامل پیشین سازمان تامین اجتماعی به دفاع از خود بپردازد و در ادامه به صحن علنی مجلس شورای اسلامی رفته و در مقابل نمایندگان مجلس به دفاع از عملکرد وزارتخانه متبوع خود و پاسخگویی به سوالات برخی از نمایندگان مجلس بپردازد. نمایندگان طراح سوال نوک پیکان حملات خود را بر دو موضوع استوار کرده‌اند؛ نخست مشکلات موجود در صندوق‌های بازنشستگی و دوم تعداد نسبتاً چشمگیر حوادث شغلی در کشور. محوریت نمایندگان طراح سوال نیز بر عهده طیفی از نمایندگان مجلس است که شاید بتوان آنها را «حلقه کرمان» مجلس خواند

یک منبع آگاه می‌گوید: برگزاری دادگاه و سوال از وزیر در مجلس هرچند به طور اتفاقی در یک روز رقم خورده، اما موضوعی است که نباید به سادگی از آن گذشت. وی در ادامه می‌گوید: برخی از نمایندگان مجلس متأسفانه در سوال‌های خود به موضوعات عوام‌پسند اشاره می‌کنند؛ هرچند در واقعیت نظر آنها و هدف آنها چیز دیگری است. برای مثال در جریان استیضاح دکتر فرجی دانان نیز موضوع جلوگیری از بررسی مجادانه وزارتخانه از تخلف آشکار در بورس‌ها که پای برخی از نمایندگان



➤ و نزدیکان آنها در میان بود، هدف اصلی استیضاح بود، با این حال موارد متعدد دیگری در سوالات آمده بود تا افکار عمومی از موضوع اصلی غافل شود.

این منبع آگاه می‌گوید: مبارزه با فساد در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان‌های وابسته به آن دغدغه اصلی برخی از نمایندگان طراح سوال است که منافع خود را در خطر دیده‌اند. از همین رو برگزاری دادگاه شکایت سعید مرتضوی که تخلفات وی در سازمان تامین اجتماعی به تایید هیات تحقیق و تفحص مجلس هم رسیده بود و طرح سوال نمایندگان را در یک راستا باید دید.

وی ادامه داد: برای مثال نوه یکی از آقایان مبلغی حدود ۶۰ میلیارد تومان به سازمان‌های زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بدهکار است و قصد پرداخت هم ندارد. در موردی دیگر یکی از دانه‌درشت‌ها رقمی حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان به یکی از شرکت‌های زیرمجموعه وزارتخانه بدهی دارد که قصد دارد با تهاثر حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیاردی اموال، این بدهی را صاف کند. همچنین در مورد دیگری با تغییراتی که پس از روی کار آمدن ربیعی و به تبع آن تغییر مدیریت سازمان تامین اجتماعی شکل گرفت، جلوی واگذاری بخشی از املاک تامین اجتماعی به ارزش ۱۲۰۰ میلیارد تومان گرفته شد. کوتاه نیامدن وزارتخانه و مدیران آن در مقابل این اقدامات که ردپای آن به مدیریت سابق وزارتخانه و سازمان‌های زیرمجموعه بازمی‌گردد، دلیل اصلی شکایت مرتضوی و طرح سوال نمایندگان است. پیک ایران ۱۳۹۴/۲/۲۸

ثروت هدایتی سه برابر سرمایه بابک زنجانی

به گزارش پارسینه رقم مورد ادعای مالک گروه استیل آذین بسیار بالاست. برای دریافتن این نکته که این رقم چقدر بزرگ است کافی است آن را با پورتنوی سهام عدالت که ۶۲ شرکت و ۴۵ میلیون سهامدار عضو آن هستند مقایسه کرد. پورتنوی کنونی سهام عدالت با ۶۲ شرکت دولتی تشکیل شده و ۴۵ میلیون سهامدار دارد و البته ۹۰ هزار میلیارد تومان می‌ارزد که این مبلغ کمی بیشتر از سرمایه مورد ادعای حسین هدایتی است.

جالب است بدانید بابک زنجانی در آخرین گفتگوی مطبوعاتی خود دارایی شخصی اش را ۲۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرده بود که این مبلغ هم کمتر از یک سوم مبلغ مورد

ادعای هدایتی است.

حاجی وند یکی از کارشناسان سازمان خصوصی سازی در این باره به ورزش سه می‌گوید: اینکه ایشان می‌گویند ۸۲ هزار میلیارد سرمایه اسمی دارند لابد پایه و اساسی دارد اما اصولاً ادعایی مثل این در فرابورس توسط کارشناسان مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد تا صحت آن اثبات شود.

پیک ایران ۹۴/۲/۲۸

[به قول معروف:

بر آن مردمان زار باید گریست

که تسلیم ظلم اند و شورشی در کار نیست!]



جدال در مورد انتخابات اخیر در ترکیه!

انتخابات به شیوه پارلمان‌تاریستی طی دویست و اندی سال پیش در خدمت حاکمیت بورژوازی قرار گرفته و هیچ قدوسی در مورد اجرای دموکراسی ندارد. به این اعتبار خط مشی سیاسی که دل درگرو کسب قدرت از طریق پارلمان دارد کیفیت یادگیری از تاریخ نداشته و گرفتار پاسیویسم می‌باشد. در عین حال بورژوازی از این نمایشی که راه انداخته توانسته است به میزان زیادی مردم را به گمراهی کشانده و آنها را وادار به چنین درکی کند که گویا با شرکت در رای دهی پارلمانی نماینده‌گان منتخب آنها مدافع رای دهنده گان باقی می‌مانند و لذا خواست توده های مردم را در تصمیم گیریهای پارلمان عملی می‌سازند.

گرچه توده های مردم در عمل انتخابات پارلمانی بیش از ۲۰۰ سال گذشته بیش از پیش به این درک رسیده اند که پارلمان بیش از هر چیزی در خدمت سرمایه داران قرار گرفته و به همین علت شرکت آنان در انتخابات بیش از پیش تنزل یافته و در بسیاری از اوقات تصمیمات با رای اکثریت به هیچ وجه بیان گر رای اکثریت رای دهنده گان نیست. مع الوصف با این خیمه شب بازی بورژوازی حاکم خود را مدافع دموکراسی و قانون معرفی می‌کند و گول زدن مردم را ادامه می‌دهد. برای کمونیستها شرکت در رای دهی پارلمانی بسته گی به وضعیت مشخص سیاسی در کشور دارد که ممکن است یکبار شرکت نمود و بار دیگر شرکت در رای دهی را تحریم کرد! بنابراین شرکت در انتخابات باید

از نظر تاکتیکی مورد بررسی قرار بگیرد و در صورتی که تشخیص داده شود که سودمند پرولتاریا است، بی درنگ باید اجرا شود.

در چنین شرایطی پارلمان یک حیطة ی درگیری بین نظرات نماینده های شرکت کننده بوده و چون این نظرات در میان مردم از طریق رسانه های عمومی پخش می‌شود، فرصتی را برای هر تشکل صاحب نماینده فراهم می‌آورد تا در میان مردم از درجه ای از مقبولیت برخوردار شود. بدین ترتیب یک زمینه و میدان مبارزه ی طبقاتی است و نمی‌توان نسبت به آن بی اعتنا ماند و از این فرصت برای دفاع از منافع طبقه کارگر و توده های زحمت کش استفاده نمود. لنین در این مورد می‌نویسد: "جنگ در راه سرنگونی بورژوازی بین المللی، جنگی که صدمبار دشوارتر، طولانی‌تر و بغرنجتر از سرسخت ترین جنگهای معمولی بین دولتهاست - و در عین حال از همان پیش امتناع ورزیدن از مانور و استفاده از تضاد منافع (ولو تضاد موقتی) بین دشمنان و از سازشکاری و مصالحه با متفقین ممکن (ولو موقتی، ناپایدار، متزلزل و مشروط)، مگر این یک موضوع بی اندازه مضحک نیست؟" (بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم". آثار منتخب دریک جلد ص - ۷۵۳) مانو نیز در پیشبرد جنگ انقلابی از نظر تاکتیکی می‌گوید: "اگرما در زمینه ایده نولوژیک بتوانیم تئوری صحیح انقلابی به پیش آوریم و با دستگیری آن بر تئوری های ضدانقلابی سرسختان ضربه قاطع وارد سازیم، اگر در سیاست تدابیر تاکتیکی ای را که پاسخگوی مقتضیات لحظه ی حاضر است به موقع اجرا بگذاریم و بر سیاست آنها که مبتنی بر مبارزه با حزب کمونیست، مبارزه با ترقی است ضربه قاطع بزنیم، اگر اقدامات نظامی بایسته ای به عمل آوریم و بر تعرض نظامی آنها ضربه قاطع بکوبیم، در آن صورت امکان خواهیم یافت دامنه فعالیت ارتجاعی آنها را محدود سازیم، آنها را واداریم که موقعیت نیروهای مترقی را بشناسند، خواهیم توانست نیروهای مترقی را گسترش دهیم، نیروهای بینابینی را جلب کنیم و سرسختان را منفرد سازیم." (آثار منتخب مانو - جلد ۲ - ص ۶۴۰ - مسائل تاکتیک کنونی در جبهه متحد ضد ژاپونی، ۱۱ مارس ۱۹۴۰)

در پرتو این رهنمودها می‌توان به انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵ ترکیه برخورد نمود. حزب عدالت و توسعه به عنوان یک حزب بنیادگرای مذهبی به رهبری اردوغان که قصد تغییر قانون اساسی به نفع رئیس



بهبود اقتصادی ما و قیمت دارائی های ما می گذارد و از این رو اهمیت از نظر گوناگونی - هم از نظر تنوع دارائی، و هم از نظر جغرافیائی و کجا و چگونه دارائی های شما به شما تعلق ربط پیدا می کند.

Bail-ins* (این عمل که نوعی نجات مالی است، زمانی رخ می دهد که طلبکاران وام گیرنده مجبور به تحمل برخی از بار مسئولیت می شوند که توسط بخشی از بدهی آنها نادیده گرفته می شود. به عنوان مثال، دارنده گان اوراق قرضه در بانکهای قبرس و سپرده گذاران با بیش از ۱۰۰ هزار یورو در حسابهایشان، مجبور به گذشت از بخشی از دارائی های خود شدند - مترجم)

یک نتیجه نامشروع از عملکرد امپریالیسم غرب

**چرا اسرائیل نباید وجود داشته باشد
توسط گری لیچ، ۱۹ می ۲۰۱۵**

با این پیشنهاد که دولت اسرائیل نباید وجود داشته باشد، من ضد یهودی نمی شوم. اما، من ضد صهیونیسم هستم. در این جا یک تفاوت متمایز و واضیحی وجود دارد. یک ضد یهود کسی است که علیه یهودیان متعصب است. از سوی دیگر یک ضد صهیونیسم، مخالف آن بخش از جمعیت یهودیست که این را به عنوان حق خدا داد خود برای ایجاد یک دولت یهودی در سرزمین مقدس با هزینه مردم فلسطین که هزاران سال در آن سرزمین زندگی می کنند می دانند.

ایجاد یک دولت یهودی در قلب دنیای عرب نه تنها نشان دهنده تداوم استعمار اروپا در فلسطین می باشد، بلکه این یک پاک سازی قومی فلسطینیان و برقراری و تأسیس یک سیستم آپارتاید توسط یک ملت سرکش که بارها و بارها قوانین بین المللی را زیر پا گذارده است می باشد. با توجه به این واقعیت که فلسطین سرزمینی است مقدس برای سه ادیان بزرگ، تنها راه حل عادلانه برای پروژه صهیونیستی از سوی دولت اسرائیل و حامیان غربی آن، ایجاد یک کشور واحد می باشد: یک دولت سکولار دموکراتیک فلسطینی که در آن یهودیان، اعراب و مسیحیان همگی دارای حقوق برابر اند.

ظهور جنبش صهیونیستی

جنبش صهیونیستی در اواخر قرن ۱۹ در اروپا ظهور کرد و یهودیان اروپا را

در مقایسه با سال ۲۰۰۷، همه اقتصادهای بزرگ « سطوح بالاتری از قرض نسبت به تولید داخلی ناخالص » دارند.

- ۳ بخش به احتمال زیان و ضرر - افزایش بدهی های چین، دولت و بدهی خانواده ها.
- این گزارشات، بدهی های فاقد پشتوانه ی ایالات متحده بیش از ۱۰۰ تریلیون دلار را نا دیده می گیرند.

- میزان بدهی های بی سابقه و خطرناک - چاپ اسکناس بدون پشتوانه و علل سیاستهای پولی فوق العاده بی بند و بار.

- خطر جدید بحران مالی جهانی - مالیات بندی به دارائی های مردم، جنگ های ارزی، کاهش ارزش پول است و بالاخره، ترم جدید و تازه ای به نام Bail-ins - تنوع و گوناگونی گری مهم - هم از نظرحد تنوع دارائی و در کجا دارائی ها صاحب پیدا می کند.

بدهی توسعه عظیم پیدا می کند بدهی های جهان در حال حاضر به حدود ۲۰۰ تریلیون دلار رسیده است. مؤسسه جهانی مک کینزی اخیراً گزارشی انتشار داده است که در آن سطوح غیر قابل تحمل و ناپایدار و باد کرده بدهی های انباشته شده در سراسر جهان و وجود خطرات بزرگ آن زمانی که نرخ بهره شروع به افزایش دوباره کند، را روشن ساخت.

مک کینزی استنتاج کرده است که مجموع کل بدهی های جهانی ۱۹۹ تریلیون دلار بود که و این گزارش تحت پوشش کمی در ماه فوریه منتشر شد - سه ماه قبل - به این معنی که این رقم به احتمال زیاد بیش از ۲۰۰ تریلیون دلار است. با جمعیت جهانی برابر با ۷.۳ میلیارد نفر، یعنی بدهی هر نفر، مرد و زن و کودک زنده در این کره ارضی امروز به ۲۷،۲۰۴ دلار می رسد.

تقریباً ۲۹٪ از این بدهی های عظیم - ۵۷ تریلیون دلار - در مدت زمان کوتاهی از زمان انفجار بحران مالی سال ۲۰۰۷ - فقط ۸ سال - تجمع یافته است.

این، نسبت کل بدهی به تولید ناخالص داخلی را، ۱۷ درصد افزایش داده است و « ثبات مالی جهان را با خطرات جدیدی مواحه می سازد و ممکن است رشد اقتصادی جهانی را تضعیف کند.»

تلاش برای حل آن چه که اساساً ناشی از یک بحران بدهی های جهانی بود، با ایجاد کوهی از بدهی های بیشتر، به این معنی است که ما با یک بحران مالی جهانی دیگر مواجه خواهیم شد - سؤال این است که چه زمانی به جای اگر. این اتفاقاتی که در شرف تکوینند تأثیر بر

▶ جمهوری ترکیه را داشت تا موقعیت حزب خود را در حاکمیت و سرکوب کردها و نیروهای چپ تقویت کند و سیاست عظمت طلبانه عثمانیان را با کمک رسانی همه جانبه ای به داعش درپیش رو داشته و با امپریالیستها دریک صف قراردارد، درحالی که با متحد شدن تاکتیکی چندین حزب اپوزیسیون در امرانتخابات اخیرترکیه متحداً عمل کرده، بخشی از نیروها توانستند مانع از دست یابی حزب حاکم به اکثریت مطلق شوند، این فرصتی را برای پیش روی ولو اندکی را برای مبارزات خلق کرد و احزاب چپ فراهم خواهدکرد. طبعاً انتظار براین نبوده و نیست از این حرکت معجزه براندازی رژیم ارتجاعی حاکم درسرها پرورنده شود و کارگران و زحمت کشان را دچار خیال واهی نمود. ولی نمی توان با این پیروزی انتخاباتی به مخالفت برخاست و سیاست چپروانه ای را تبلیغ نمود و فراموش کرد که "سیاست و تاکتیک، حیات هر حزب جدی را تشکیل می دهد و با لفاظیهای چپ روانه نمی توان نیروهای انقلابی را متحدنموده و انقلاب را به پیش راند. این پیروزی موقتی و مشروط را به حزب دموکراتیک خلق تبریک می گوئیم با این امید که تشکلهای کمونیست بادرس گرفتن از این وحدت و اهمیت آن دردرجه اول دست از فرقه گرایی برداشته و برای متحدشدن باهم تلاشی جدی را به پیش ببرند و نقش فعالی را در عرصه ی مبارزات کارگران و زحمت کشان برای پیش بردن انقلاب سوسیالیستی داشته باشند.

ناظر انتخابات ترکیه -

اردیبهشت ۱۳۹۴



بحران اقتصادی ادامه دارد!

بدهی جهان در حال حاضر به ۲۰۰ تریلیون دلار رسیده است

توسط، گولد کور، ۱۵ می ۲۰۱۵

Future Fast Forward

مؤسسه مک کینزی می گوید، بدهی های جهان به طور غیر قابل تحمل و ناپایداری به مرز ۱۹۹ تریلیون دلار رسیده است.

- بدهی هر انسان امروز زنده در این کره ارزی به ۲۷ هزار و دویست و چهار دلار رسیده است.





بخش خلق فلسطین تصمیم به اجرای مبارزه مسلحانه در مرکز عملیات خود برای دستیابی به یک دولت فلسطینی شد. این تنها بعد از ۲۰ سال تحمل یک اشغال نظامی سرکوبگر و عدم تمایل جامعه بین المللی برای به اجرا درآوردن قطعنامه های سازمان ملل بود که بخش های جامعه فلسطین به طور فزاینده ای رادیکالیزه شدند و گروه اسلامی حماس شکل گرفت. حماس به عنوان یک تاکتیک در سالهای ۱۹۶۰ شروع به بمب گذاری انتحاری کرد، چون که، نمی توانست علیه ارتش اسرائیل که مورد حمایت آمریکای بسیار برتر بود با جنگی دارای آئین و قانون وارد صحنه شود. با شروع سال ۲۰۰۱، حماس هم چنین شروع به پرتاب موشک های بدوی و نادقیق از پایگاه های نوار غزه به داخل اسرائیل کرد.

اگرچه اسرائیل با نیروهای نظامی خود در سال ۲۰۰۵ از نوار غزه عقب نشینی کرد، اما یک محاصره نظامی در این قلمرو کوچک در سال بعد به اجرا درآمد که از طریق آن به شدت مردم برای دسترسی به مواد غذایی، دارو و دیگر مواد مورد نیاز تحت کنترل قرار گرفتند. بعضی از تحلیل گران ادعا می کنند که محاصره مداوم اسرائیل از نوار غزه با جمعیت یک میلیون و هشتصد هزار نفر، بزرگترین اردوگاه زندان جهان را ایجاد کرده است.

در عین حال، اسرائیل نه تنها اشغال غیر قانونی خود را در قسمت غربی و شرق بیت المقدس ادامه داده، این کشور تجاوزگر حتی بیشتر قوانین بین المللی را نقض کرده و با اعمال زور، فلسطینی ها را از مناطق مسکونی بیرون رانده و یهودیان را تشویق به ورود به مناطق اشغالی برای زندگی می کند.

اسرائیل هم چنین یک دیوار غول پیکری که حصار تفکیک نامیده می شود، در سراسر کرانه غربی به منظور جدا کردن شهرک های غیر قانونی از مناطق فلسطینی و برای محدود کردن رفت و آمد فلسطینی ها ساخته است. در عین حال، علاوه بر ایجاد شهرک های غیر قانونی، اسرائیل هم چنین در کرانه غربی مناطق صنعتی ساخته است، که در آن کارگران فلسطینی مجبور به تحمل دستمزدهای پائین و شرایط کاری نامناسب می باشند.

اختلاف فاحش در حقوق داده شده به مهاجران یهودی در مقایسه با فلسطینیان ساکن در سرزمین های اشغالی یک سیستم آپارتاید را تشکیل می دهد. در واقع، هم چنانکه جان دوگارد، یک وکیل حقوق

اداره شود. گروه های یهودی طرح تفکیک را پذیرفتند اما، فلسطینی ها و کشورهای عرب اطراف براین اساس که، این نقض اصول خود مختاری ملی مندرج در منشور سازمان ملل که تحت آن فلسطینی ها باید حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند، مخالفت کردند. این طرح اجرا نشد. معهذا، جمعیت یهودی در فلسطین به طور یک جانبه ایجاد کشور اسرائیل را در ۱۴ ماه می ۱۹۴۸ اعلام کرد.

استعمار نو اروپا

در پایان سال ۱۹۴۹، طبق اظهارات مورخ اسرائیلی، ایلان پاپ، اسرائیل بیش از ۴۰۰ روستای فلسطینی را نابود کرده بود، هزاران نفر از شهروندان غیر نظامی را قتل عام و با زور تقریباً یک میلیون فلسطینی را تبعید کرد، که به اردوگاه های پناهنده گان در کشورهای عرب همسایه پناه بردند. به عبارت دیگر، با مردم یهودی که وحشت هالوکاست را تحمل کردند، صهیونیستها در حال حاضر، طبق اظهار ایلان پاپ، پاک سازی قومی مردم فلسطین را عملی می کردند.

این فرایند پاکسازی قومی به اسرائیل اجازه داد تا توسعه یابد و ۷۷ درصد از سرزمین فلسطین را دربر بگیرد، تمام به غیر از شرق بیت المقدس، کرانه غربی و نوار غزه. در طول سه سال آینده، ۷۰ هزار یهودی به اسرائیل مهاجرت کردند، اکثراً از اروپا. این استعمار فلسطین توسط یهودیان بیانگر ادامه استعمار اروپا به عنوان دارا بودن حق اعمال قدرت بر مردم فلسطین از دولت انگلیس به یهودیان اروپا در قالب دولت جدید اسرائیل منتقل شده است.

متعاقب جنگ سال ۱۹۶۷ با چند کشور عربی (سوریه، اردون و مصر)، ارتش اسرائیل ۲۳ درصد باقی مانده خاک فلسطین را اشغال کرد (شرق بیت المقدس، کرانه غربی و نوار غزه). شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه شماره ۲۴۲ خواستار « خروج نیروهای مسلح اسرائیلی از سرزمین های اشغالی در درگیری های اخیر شد. » ایالات متحده آمریکا از آن تاریخ تا به حال از داشتن حق وتو در شورای امنیت، ۴۱ بار استفاده کرده است که اطمینان حاصل شود که قطعنامه های متعدد سازمان ملل در محکومیت اسرائیل در اشغال غیر قانونی هرگز اعمال نشود.

تنها زمانی که فلسطینی ها مجبور به زیستن تحت اشغال نظامی غیر قانونی اسرائیل متعاقب جنگ ۱۹۶۷ بودند، سازمان آزادی

تشیق کرد که با فرار از احساسات ضد یهودی به فلسطین مهاجرت کنند، که در آن زمان تحت حاکمیت ترک های عثمانی بود و با هدف ایجاد یک دولت یهودی در سرزمین مقدس. این مهاجرت ها جمعیت یهودیان مقیم فلسطین را از ۴٪ در سال ۱۸۵۰ به ۱۱٪ در سال ۱۹۱۷ افزایش داد، سالی که اعلامیه بالفور دولت بریتانیا اعلام کرد: « نظر دولت اعلیحضرت به نفع تأسیس یک موطن ملی برای یهودیان در فلسطین می باشد، و در این مورد بیشترین تلاش ها برای کمک به دستیابی به این هدف انجام خواهد گرفت. »

متعاقب شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، کشورهای منطقه توسط بریتانیا و فرانسه فرمانروائی می شدند، تحت قیمومت جامعه بین المللی (سلف سازمان ملل متحد امروز) قرار داشتند. اما، جنگ جهانی دوم با سقوط امپراتوری اروپا، هم چنانکه مستعمرات در سراسر جهان استقلال بدست آوردند. به این ترتیب لبنان و سوریه به ترتیب در سالهای ۱۹۴۳ و ۱۹۴۶ از فرانسه استقلال بدست آوردند، در حالیکه اردون نیز در سال ۱۹۴۶ از حاکمیت انگلستان استقلال بدست آورد. به جز فلسطین که از سال ۱۹۲۲ به بعد تحت حاکمیت انگلیس قرار داشت.

با تمام این واقعیتها، فلسطین مانند همسایه گانش می بایست استقلال خود را بعد از جنگ جهانی دوم بدست می آورد، اما پروژه صهیونیستی مورد حمایت غرب از این اتفاق ممانعت کرد. طبق اعلامیه بالفور، انگلیس و فرانسه به دنبال تضمین ایجاد یک دولت یهودی در فلسطین بودند. تحت حاکمیت انگلیس، جمعیت یهودیان در فلسطین از ۱۱ درصد در سال ۱۹۲۲ به ۳۲ درصد در سال ۱۹۴۸ رسید، با بسیاری از آنها که پس از پایان جنگ به فلسطین وارد شدند.

در سال ۱۹۴۷، سازمان ملل متحد تازه تأسیس شده طرح تفکیک سرزمین فلسطین را بدون مشورت با مردم فلسطین به تصویب رساند. طرح مربوطه ۵۶ درصد از سرزمین فلسطین را به دولت یهودی اسرائیل واگذار کرد، و ۴۳ درصد آن به دولت فلسطین تبدیل شد. علی رغم وجود اکثریت جمعیت عرب در فلسطین، سهم اسرائیل از قلمرو به منظور منزل دادن (یا جادادن) افزایش مهاجرت پیش بینی شده از یهودیان اروپا بزرگتر بود. باقی مانده یک درصدی از خاک فلسطین، که شامل شهر مقدس اورشلیم بود، قرار شد قلمرو بین المللی باشد که توسط سازمان ملل متحد



بشر آفریقای جنوبی و گزارشگر ویژه سابق سازمان ملل متحد اشاره می کند، « من هیچ تردیدی ندارم که بگویم جنایات اسرائیل بی نهایت بدتر از آن جنایاتی است که رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی مرتکب شده است.»

در سال ۱۹۴۷، یک سال قبل از این که اسرائیل خود را یک کشور مستقل اعلام کرد، فلسطینی ها در ۹۴٪ از خاک فلسطین زندگی می کردند. امروز آنها در فقط در ۱۵٪ این سرزمین سکنی دارند، با تعداد ۵ میلیون در اردوگاه های آوارگان در کرانه غرب و کشورهای اطراف زندگی می کنند. تراکم جمعیت در اردوگاه های پناهندگان فلسطینی در زمره بالاترین نسبت به هر نقطه دیگر کره زمین می باشد. به عنوان مثال، بیش از ۱۰۰۰۰ پناهنده در اردوگاه ال امری، در کرانه غربی که یک کیلومتر مربع می باشد زندگی می کنند، که پنج برابر تراکم جمعیت شهر نیویورک می باشد. هم چنانکه، یک پناهنده نسل سوم در اردوگاه ال امری به من گفت، « ما یک رویا داریم که روزی به سرزمینمان برگردیم. چه مدت طول خواهد کشید و چه نسلی نسبیبش خواهد شد ما نمی دانیم.»

تعداد نامتناسب فلسطینی که در درگیریهای طولانی مدت کشته شدند یک واقعیتی است که از بسیاری از مردم در کشورهای غربی پنهان نگهداشته شده است. در طول ۱۵ سال گذشته با توجه به سازمان حقوق بشر اسرائیل (۱)، ۸۷۰۱ فلسطینی توسط اسرائیل کشته شدند و این در مقایسه است با ۱۱۳۸ اسرائیلی که توسط فلسطینی ها کشته شده اند. اختلاف در کودکان کشته شده فلسطینی در این دوره حتی به مراتب بیشتر است، یعنی ۱۷۷۲ کودک فلسطینی در مقایسه با تنها ۹۳ کودک اسرائیلی.

با توجه به این تاریخ، ادعای مکرر توسط ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی که اقدامات نظامی اسرائیل تنها برای دفاع از خود عمل می کند، با واقعیت کاملاً در تضاد است. مسلماً، این خشونت است که توسط مردمی که وادار شدند تحت اشغال خشونت آمیز غیر قانونی نظامی و محاصره که باید یک عکس العمل دفاع از خود در نظر گرفته شود زندگی می کنند، انجام می گیرد. باهمه این احوال، مقاومت فرانسه در مقابل اشغال این کشور توسط نیروهای نازی در طول جنگ جهانی دوم به عنوان یک مبارزه قهرمانانه برای آزادی از چنگال فاشیسم مشاهده شده است. اما، در تقابل کامل، مقاومت فلسطین با برچسب « تروریست ها

مشاهده می شود.

علی رغم بالاترین تلاش های ایالات متحده و دیگر دولتهای غربی و هم چنین رسانه های جریان اصلی همین دولتها به منظور توصیف کردن اسرائیل به عنوان قربانی در این درگیری ها، واقعیات شمارش کشته شده ها آشکارا نشان می دهد که بین طرفین کدام بیشتر کشتار کرده و کدام بیش از همه مرگ را تحمل کرده است. این واقعیت که مردمی که بازور وادار به زندگی تحت اشغال نظامی غیر قانونی شدند، به عنوان مهاجم و متجاوز به تصویر کشیده می شوند، به منزله مثال بسیار بارزی از سالوسی اورولی (۲) باید تلقی شود.

هم دستی با استعمارگران

این گسترش جابرانه کنترل اسرائیلی بر تمام سرزمین فلسطین، رویای صهیونیستهای اروپا را که در اواخر قرن نوزدهم بنیاد نهاده شده بود برآورده کرد. متأسفانه، در طول دو دهه گذشته، برخی از رهبران فلسطینی در جرم پروژه صهیونیستی هم دست شدند. روند صلح اسلو در طول سالهای ۱۹۹۰، دیدیم که سازمان آزادی بخش خلق فلسطین اسرائیل را به رسمیت شناخت و در عوض اسرائیل به فلسطینی ها اجازه خودگردانی محدود در قسمت هایی از کرانه غربی و نوار غزه را داد. به هر حال، روند به اصطلاح صلح با پرداختن به موضوع بسیار مهم « حق بازگشت » برای آوارگان و پناهندگان فلسطینی به تعویق افتاد.

اولین انتخابات پارلمانی فلسطین تحت پیمان اسلو در سال ۱۹۹۶ برگزار شد و فتح، حزب سیاسی سازمان آزادی بخش خلق فلسطین در این انتخابات پیروز شد، که پس از آن رهبر دولت جدید تشکیلات خودگردان فلسطینی شد. تشکیلات خود گردان فلسطینی شروع به دریافت کمک های قابل توجهی از دولت های غربی کرد. در عوض، دولت خود گردان فلسطینی به نمایندگی از طرف اسرائیل، با نیروی پلیس خود شروع به کنترل مردم فلسطین در مناطق سرزمین های اشغالی تحت کنترل خود کرد. به عبارت دیگر، به همین طریق که مدیران هندی و پولیس حکمرانی روزمره هند استعماری را به نمایندگی از طرف استعمارگران انگلیسی تحت نظارت دقیق قرار می دادند، دولت خود گردان فلسطین نیز به استعمارگران اسرائیلی در سرزمین های اشغالی به به ازاء کمک های غربی و کاهش حضور نظامی اسرائیل خدمت کرده است.

تزریق کمک های خارجی، به ویژه از آژانس ایالات متحده برای توسعه بین المللی (۳)، به

منظور دست یافتن به « صلح اقتصادی »، با اجازه دادن به بخش هایی از مردم فلسطین که تا حدی به آسایش جسمانی دست یابند، وبدون به چالش کشیدن اشغال اسرائیل و ادامه گسترش شهرک های یهودی در کرانه غرب و بیت المقدس، در نظر گرفته شده است، که در حقیقت، هر دو پیمان اسلو و قوانین بین المللی را نقض می کند. با عطف توجه به مذاکرات صلح درازمدت و بارها متوقف شده، دوگارد، گزارشگر ویژه سابق سازمان ملل متحد اخیراً اظهار داشت، « من فکر می کنم استراتژی اسرائیل و هم چنین ایالات متحده این است که به سادگی این مذاکرات را برای همیشه و همیشه ادامه دهند، در حین آن که، اسرائیل خاک بیشتر و بیشتری از سرزمین فلسطین را ضمیمه خود سازد و بالاخره کل سرزمین فلسطین را تصاحب کند.»

در عین حال، طرح اقتصادی در حال ظهور در کرانه غربی پایدار نیست، چرا که به طور کامل وابسته به کمک خارجی و سازمانهای غیر دولتی (ان جی او) است. وانگهی، سود حاصل از این طرح اقتصادی تا حد زیادی به رام الله، مقر دولت خودگردان فلسطین محدود می شود، که موجد چیزی که در کرانه غربی به عنوان « حباب (یا اندیشه پوچ) رام الله » نامیده می شود. هم چنانکه دکتر حنان چهاتا، استاد حقوق و خبرنگار سابق برای مانیتور خاورمیانه (۴)، توضیح می دهد،

... حال آنکه، کسانی که در رام الله در حال حاضر در سرتاسر شهر کوچک نسبتاً آزادانه سفر کنند، فلسطینی ها در بقیه مناطق روزانه در راه های مسدود شده اسرائیلی و پست های بازرسی نظامی در معرض تحقیر قرار می گیرند؛ آنها هم چنین باید بازداشت های کورکورانه و بازجویی های غیر موجه که اغلب به شکنجه و گاهی اوقات به مرگ منتهی می شود را متحمل گردند. هنگامیکه، ساکنان رام الله می توانند روزانه نسبتاً امن بر سرکار بروند، با شناخت اینکه آنها غروب به منزل و به یک وعده غذای گرم و اعضای آسوده خاطر خانواده باز می گردند، دیگر فلسطینی ها منزلشان را ترک می کنند بدون این که بدانند وقتی باز گشتند، منزلشان بر سر جایش قرار دارد، یا این که با بولوزر های اسرائیلی به منظور ایجاد فضای بیشتر برای استقرار شهرک های جدید، تخریب و نابود شدند.

راه حل دو دولتی (یا دو کشوری) دائماً توسط ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی در رسانه ها جار زده می شود،



نسل کشی زیربنائی (زد بوکس، ۲۰۱۲)؛ فراتر از بوگوتا: خاطرات یک روزنامه نگار جنگ مواد مخدر در کلمبیا (بیکان پرس، ۲۰۰۹)؛ و مداخلات خام: ایالات متحده، نفت و اختلال دنیای جدید (زد بوکس، ۲۰۰۶). او هم چنین یک مدرس دانشگاه، در دانشکده علوم سیاسی در دانشگاه کیپ برآ تون در کانادا است.

- (1) B'Tselem
- (2) Orwellian doublespeak United States for International (3) Development (USAID)
- (4) Middle East Monitor



در جنبش جهانی کمونیستی بقیه از صفحه آخر است.

رژیم ادعا می کند که سازماندهی تظاهرات ضعیف است (برحسب اتفاق این قانونی اساسی است براساس قانون اساسی نوشته شده توسط خود مقامات !!).

در عین حال رژیم به مدافعین اش همیشه در هر جا که آنها عکسهای (ژنرال سیسی) را به دست گرفته و به خاطر دفاع از او اجازه تظاهرات می دهد. بدتر این که رژیم به قدرتهای ارتجاعی مذهبی اجازه تظاهرات و تجمعها را می دهد؛ ما باید اشاره کنیم که ایده نولوژی قدرتمندان متفاوت نبوده بلکه مشابه دولت اسلامی (ای.اس. ای.ال) است بدین ترتیب رژیم اتحاد خود با آن قدرتهای تروریستی ارتجاعی را تأمین می کند و عدم توافق با اخوان المسلمین رایج است اما نه ایده نولوژیک و نه سیاسی است) هر دو سرمایه داری راست می باشند). رژیم از حالتی دوگانه و احتمالاً نه خیلی مصری رنج می برد و در خارج می شود دید که رژیم به جامعه ی بین المللی رجوع کرده و درخواست مبارزه با تروریسم دارد و می خواهد صحبت کردن مذهبی را به راه انداخته و احساسهای مردم غرب را افشا کند اما واقعاً وابسته به قدرت ارتجاعی است در مقابل با خواستهای به حق کارگران، جوانان، بیکاران و کشاورزان فقیر که کاملاً اثبات شده اند وقتی که رژیم به گروههای ارتجاعی (سلفی) را در متقاعد کردن کارگران برای جلوگیری از اعتصاب در کارخانه ها به ویژه در (کارخانه های پارچه بافی الکساندریا) متوسل می شود.

اما بیشتر از هر چیز پافشاری روی درخواست به حق مردم مصر، که

جنبش هرگز در ضدیت با یهودیان نیست... هدف جنبش آزادی بخش فلسطین، ایجاد یک دولت دمکراتیک ملی در فلسطین که در آن هر دو اعراب و یهودیان به عنوان شهروندان با حقوق و تعهدات برابر زندگی کنند، که یک بخش کاملی از حضور دمکراتیک ملی عرب مترقی، دارای زندگی مسالمت آمیز با تمام نیروهای مترقی در جهان داشته باشند.

حماس نیز راه حل یک دولت واحد را به عنوان تنها پاسخ، البته یک دولت اسلامی که در آن حق یهودیان محافظت می شود. اما، ایجاد یک فلسطین اسلامی، به ساده گی یک دولت مذهبی (اسرائیل) را با یک دولت مذهبی (اسلامی) دیگر جایگزین می کند. با توجه به این که فلسطین سرزمین مقدسی با سه مذهب (اسلام، یهودیت و مسیحیت) مختلف است و این واقعیت که بخش قابل توجهی از جمعیت فلسطین یک دولت سکولار را حمایت می کنند، راه حل این کشمکش ظاهراً لجوجانه می تواند جایگزینی برای یک دولت صهیونیستی با یک ملت سکولار و دمکراتیک که در آن تمام شهروندان یهودی، مسیحی و مسلمان دارای حقوق و تعهدات برابر اند باشد.

نتیجه گیری

استقرار یک دولت صهیونیستی در قلب جهان عرب برای مهاجران یهودی از اروپا تنها با حمایت قدرتهای امپریالیستی غربی از جمله ایالات متحده، انگلیس و کانادا ممکن بود و موجودیت اسرائیل و گسترش مداوم شهرک های یهودی نشین در کرانه غربی و شرق بیت المقدس به منزله تداوم استعمار اروپا در قرن ۲۱ با هزینه سنگین مردم فلسطین که دو هزار سال است که در آنجا زندگی می کنند، می باشد.

با توجه به این واقعیت، دولت یهودی اسرائیل باید به عنوان هم دولت نامشروع و هم در عین حال یکی دیگر از نتایج فاجعه بار امپریالیسم غرب مشاهده شود. تنها راه حل این کشمکش سنگر بندی شده این است که در نهایت به فلسطینی ها برای ایجاد دولت مستقلی که می بایست پس از جنگ جهانی دوم بدست می آوردند اجازه داده شود و هم چنین برای بازگشت تمام پناهندگان به سرزمین خود اجازه داده شود. به عبارت دیگر، یک دولت واحد سکولار فلسطینی که در آن یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، تماماً و مشترکاً دارای حقوق برابرند. چنین راه حلی با یک دولت واحد هرگز ضد یهودی نمی تواند باشد، چون که این معقول است.

گری لیچ، روزنامه نگار مستقل و نویسنده کتابهای متعدد از جمله سرمایه داری: یک

و از جانب دولت خودگردان فلسطین حمایت می شود، این چیزی است که کاملاً به دور از واقعیتی است که در کرانه غربی و شرق بیت المقدس احساس می شود. به گفته طارق دانا، استاد دانشگاه بیرزیت در رام الله، « راه حل دو کشوری امکان پذیر نیست. با توجه به واقعیات موجود، این هرگز ماندنی یا بادوام نخواهد بود.»

واقعیتی که طارق دانا به آن اشاره می کند، گسترش غیر قانونی شهرک های یهودی نشین است که در حال حاضر، تقریباً نیم میلیون نفر یهودی را در این سرزمین ها مسکن داده است. این شهرک ها در حال حاضر بیش از ۴۰٪ از کرانه غربی را پوشش داده است، یعنی دست رسی و تسلط بر بهترین زمین های کشاورزی و دسترسی به مهم ترین ذخیره آب منطقه. هم چنان که دانیلا وایس، شهردار سابق صهیونیستی از یک شهرک یهودی نشین در کرانه غربی، چند سال پیش اقرار کرد، « من فکر می کنم این شهرک ها مانع ایجاد یک دولت فلسطینی در سرزمین اسرائیل است. این یک هدف است. و این واقعیت است. » به وضوح، هر گونه راه حل دو کشوری که یک کشور قابل دوام فلسطینی ایجاد می کند، لازمه اش برچیدن این شهرک ها و حذف یا عزل مهاجران یهودی از آن چه صهیونیستها سرزمین مقدس خود فرض می کنند می باشد.

به دور از از بین بردن شهرک ها، سیاستهای اسرائیل آنها را بیشتر تحکیم می کند. با ساختن حصار جدائی، دولت اسرائیل به دنبال الحاق شهرک ها به کشور اسرائیل است، که فلسطینی ها را با سه تکه کوچک نامتصل خشک و سنگلاخی که دسترسی به منابع آب ضروری را ندارد باقی می گذارد. یک چنین پی آمدی، کشور فلسطینی بادوامی را تشکیل نمی دهد.

بسیاری از فلسطینی ها از ایجاد یک دولت واحد فلسطینی که در آن اعراب و یهودیان از یک حقوق برابر برخوردارند حمایت می کنند. جبهه خلق برای آزادی فلسطین (پی اف ال پ)، دومین تشکل عضو سازمان آزادی بخش خلق فلسطین، بعد از فتح، که از نظر ایالات متحده، کانادا، اتحادیه اروپا، به خاطر طرفداری این سازمان از مبارزه مسلحانه، یک گروه تروریستی معرفی می شود، مخالف هر دو دولت خودگردان فلسطین و راه حل دو کشوریست. بنا به گفته جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جنبش آزادی بخش فلسطین یک جنبش نژادپرستانه با نیت تهاجمی علیه یهودیان نیست.. این



رفقا به طور مسالمت آمیزی در تدارک آنها از طریق تظاهرات در مرکز شهر بودند توسط یک افسر پلیس گفته شد که بعد از صحبت با رفقای ما تصمیم به ممانعت از تظاهرات گرفته شد و عقب نشینی به ویژه به دلیل پخش شدن تمرکز نیروهای امنیتی. وقتی که آنها از میدان به طور ناگهانی عقب رفتند توسط یک ماشین شخصی تعقیب شدند و توسط میلیسیای غیرنظامی و افراد غیرنظامی توقیف شدند(که بعدا گفته شد پلیس سیاسی مخفی بودند)؛ آنها رفقای ما را به اتهام قبلی - جدید از زمان پادشاهی و اشغال انگلیس تحریک آمیز برای صلح با استفاده از قهر و زیرپا گذاشتن قانون تظاهرات توقیف نمودند. وکلا به ما گفتند که تعقیب کلی در جهت آزادی آنها بود ولی دستور پلیس سیسی منجر به بازداشت ۴ روز از ۱۵ روز و ۱۵ روز دیگر در زندانی شدن صادر شد. ما روی ادامه مبارزه طبقاتی و انقلابی مان در برابر این رژیم ارتجاعی پافشاری می کنیم که وابسته به سرمایه داری جهانی است. سلام ما به رفقای زندانی و اطمینان دهی به این که سرکوب صاحبان قدرت نخواهند توانست جلو وظایف ما در مورد مردم و نسبت به طبقه کارگر مصر و تمامی جهان را در تحقق سوسیالیسم و دیگر مسائل اقتصادی اجتماعی بگیرند..

رفقای دستگیر شده ما عبارتند از:

- ۱- ساعد بیومی
- ۲- علا الشرفاوی
- ۳- یحیا الشرفاوی
- ۴- ولید هاشم
- ۵- عماد رومانی

ما از تمامی رفقای پیشرو و سوسیالیست و احزاب کمونیست در تمامی جهان می خواهیم تا به حمایت از ما برخیزند و هم بسته گی بین المللی شان را از طریق تمامی روشهای ممکن به ویژه تظاهرات در جلو سفارت خانه های مصر برای فشار وارد کردن به رژیم و بر ملا نمودن ماهیت سرمایه داری و ارتجاعی رژیم نشان دهند.

زنده باد هم بسته گی بین المللی
زنده باد مارکسیسم - لنینیسم
حزب کمونیست انقلابی مصر
کمیته مرکزی - قاهره - مصر

به تشکلهای عضو

هم بسته گی با روجاوا - نامه اطلاعاتی
کنونی شماره ۲ - ۰۶ - ۲۰۱۵
دفتر کمیته هماهنگی بین المللی

رفقای عزیز زن و مرد!
کار ایکور برای به عمل در آوردن قرارداد هم بسته گی با مبارزه آزادی بخش کرد و به منظور ارسال دسته های بین المللی انسانی به کوبانی/ روجاوا به صورتی پرتحرک و پرحرارتی در حال رشد است. کار عظیمی در سطح کمک عملی درست همانند طرحی دیپلوماتیک، سیاسی و آماده کاری و در میان کار اطلاعاتی وسیع متقاعدکننده بین توده ها صورت می گیرد.

تا ۲ ژوئن ۳۶ سازمان عضو این پیمان هم بسته گی را امضا کرده اند.

۷ تشکل عضوری تعهد محکمی در فرستادن دسته هائی به صورت های مختلفی تاکید ورزیده اند. اینها احزاب مارکسیست - لنینیست پرو، اسپانیا(قبلا به نام تجدیدساختمان کمونیستی) در اقدامی متفاوت، حزب توده ای سوسیالیستی انقلابی تونس، ام.ام.ال.پ. مرکش، ام.ال.پ.د، حزب کمونیست هندوستان مارکسیست - لنینیست ستاره سرخ اعلام آماده گی کرده اند. حزب کمونیست بنگلادش با اعلام علاقه بسیار در حال آماده گی روند روشن کردن می باشد؛ حزب کمونیست آفریقای جنوبی نیز می خواهد دسته هائی را روانه کند، اما آنها نیاز به کمک مالی برای مخارج سفر دارند. به علاوه، دسته هائی از یک سازمان آمریکا که به طور فشرده ای در ارتباط با مبارزه آزادی بخش کرد است(Urun Harvest) وجود دارند. تنها از آلمان، بیش ۱۰۵ نام نویسی برای این بریگادها صورت گرفته است!

بریگادهای بین المللی هم بسته گی بین المللی در شکل بالائی را نشان می دهند و بخش جدائی ناپذیر مستقیمی از مبارزه رهائی بخش می باشند. آنها به صفوف مقدم مبارزه می پیوندند. این بریگادها تنها دسته هائی در میدان کار نیستند، بلکه آنها یک کار تجدید ساختمان کامل بعد از پیروزی نظامی و سیاسی می باشند. وظیفه بعد از پیروزی تحکیم پیروزی می باشد؛ تجدید ساختمان هم اکنون حلقه سیاسی اصلی در این باره است. بریگادیهتها بر اساس رهنمود "خدمت به خلق" کار خواهند کرد. برخلاف کار سازمانهای غیر دولتی، آنها به منظور "درس دهنده گان در خدمت شناخت بهتر کار" به آنجا نمی روند.

این میدان وسیع یادگیری برای همه ی ما است.

تنها از آلمان ۶ تن ابزار با کیفیت بالا از مناطق شرکتها جمع آوری شده است. به حساب مخصوص هدایای هم بسته گی بین

المللی تا به حال ۸۰ هزار نورو ریخته شده، هدایای دارویی و وسایل پزشکی به ارزش بیش از ۱۰۰ هزار نورو رسیده است. جمع آوری تمامی این هدایا همچین وابسته به بحثهای وسیعی در مورد انترناسیونالیسم پرولتری بوده است.

در این میان، ۶ گروه آنی کمیته بین المللی مرکب از KCD-E, PYD, ICOR, MLKP, MLPD که به هم آهنگ کردن کارها و عملیات گروهها می پردازند و ارتباطی دائمی و فشرده با یاران کرد و ایکور و سازمانهای خودمختار روجاوا دارند تشکیل شده است. شما مطمئن می توانید تصور کنید که متحد شدن باهم در یک پروژه مشخص ساختمانی و اصولش روند بخرنجی است در میان ساختمان مشکل کوبانی.

توسط بسیاری از دسته های جلوتر آمده به کوبانی و با تماس دائمی با ک.س.د. نکات زیرین تابه حال برای همه روشن شده است: ساختن یک مرکز پزشکی و اجتماعی با فراهم سازی انرژی تاحدممکن مستقل در نظر گرفته شده است. این مرکز باید شامل بخش پزشکی با سالنهای مداوا، هم چنین برای عملیات جراحی کوچک، یک دارو خانه و اتاقهای بزرگی برای اطلاع دهی پزشکی توسط کمک رسانان و سفیران بهداشتی در نظر گرفته شده است. به آنها در صورت لزوم بخش مستقلی برای زنان و مرکز ملاقاتی برای کودکان و جوانان اضافه خواهد شد. تهیه انرژی، تصفیه آب و کار تصفیه آبهای به کار رفته بایستی انجام و نصب شوند با توجه به جوانب اکولوژیکی آنها.

در ارتباط با کل طرح، واضح است که ما به عنوان ایکور، در جهت معالجه همکاران کرد مان متعهد هستیم؛ به این مفهوم، طبعا باید شرایط را در محل در نظر داشت. مثلا پیدا کردن یک ساختمان مناسب در کوبانی ممکن نشد، سازمانهای اداره کننده اکنون یک زمین مناسبی را در اختیار گذاشته اند. این نشان دهنده ی تغییرات بزرگی در طرح ریزی می باشد، یک کمیسیون متخصص شامل ۲۵ عضو کار، به طور سرسختانه ای روی آن کار می کنند. برنامه ریزی ساختن در همکاری عملی بسیار فشرده با مردم روجاوا، به ویژه با جوانان صورت خواهند گرفت. ما اجتناب ناپذیری را در برنامه ریزی طولانی مدت در نظر می گیریم و دکترها، کارکنان طبی کناری یا متخصص در انرژی می توانند در محل فعال باشند طی دوره ای طولانی تر بعد از ساختن

تقویت همبستگی جهانی کارگری ضد فرقه گرایی است!



این مرکز. بدین منظور، متخصصان تمامی سازمانهای ایکور برای مدتی طولانی باید آماده ماندن باشند.

و اما در مورد وضعیت سیاسی و نظامی، معاون KCD-E در آخرین دیدارمجموع، گزارش داد که درگیریهای نظامی دوباره در مبارزه ملی کرد اهمیت یافته اند. کانتون کوبانی که در آن واحدهای YPG/YPJ به آزادسازی دهات ادامه می دهند بازم کارشان "ارام" تر خواهند شد. در این کانتون، آنها موفق به بازکردن مدارس در دهات مختلف شده اند. درگیریهای نظامی به علت حملات EI فاشیست به خصوص در سرکانیه (در شمال غربی کانتون جزیره در مرز ترکیه تقویت شده اند)، یک نقطه مهم استراتژیکی ارتباطی کانتون جزیره و کوبانی به تیل تمیر (واقع در مرز غربی کانتون جزیره) و سنگال در کردستان جنوبی عراق که EI فاشیست هنوز آنجا بخش بزرگی را در اشغال دارد. آنها هم چنین می گویند که در کانتون آفرین، واقع در غرب حرکتهای تقویت شده EI به آفرین و حلب وارد شده اند که باید در مدنظر قرار گیرند و خود را آماده حمله در آنجا می کنند. وضعیت عمومی به علت عقب نشینی نیروهای بارزانی از کوبانی و بستن راه ورودی به کردستان جنوبی به روجاوا توسط آنها بدتر شده امری که آذوقه رسانی به روجاوا را شدیداً بدتر کرده است.

به منظور اهمیت تحقق کار ساختمانی بزرگ، منوط به تحمیل یک راه انسان دوستانه است از ترکیه به کوبانی. بدین منظور، تقاضا نامه ای تهیه شده و امضاء شده توسط شخصیت‌هایی نظیر فرستاده ویژه سازمان ملل، ژان زیگلر، نماینده گان حزب چپ، دکترها، وکلا و غیره و خودمن به عنوان اولین امضاء کننده در جریان است. این وظیفه سیاسی مهمی است از جانب ایکور برای تحمیل راه ورودی. این دادخواست در ۲۳ مه منتشر شده و در سطح جهانی امضاء شده است

<https://www.openpetition.de/petition/online/oeffnet-die-grenze-kobane-muss-leben>.

به علاوه ما اعتراضات را در آلمان برای باز کردن راهی بشردوستانه سازماندهی کردیم از جمله در اسسن در شنبه هفتمین روز بازگشت مسیح با شرکت بیش از هزار نفر و یا در دوشنبه آینده در سطح کشوری در بیش از ۸۰ شهر در روز دوشنبه که تظاهرات هفته ای دوشنبه را داریم. اقدامات ممانعت دولت ترکیه تجاوز آشکاری به حق کمک

رسانی بشردوستانه و حفاظت بشر، تضمین حقوق بین المللی مردم می باشد. جنبشی جهانی باید در مبارزه برای کسب این حق به پیروزی برسد. در آلمان ام. ال. پ. د. در حال ایجاد یک فشار سیاسی روی دولت آلمان به عنوان شریک نزدیک حکومت اردوغان ترکیه و مسئول جنایتهای بشری در مرز بین ترکیه و روجاوا می باشد.

رفقای عزیز زن و مرد! ۶ ژوئن ۲۰۱۵ ما حرکت بریگادها را جشن خواهیم گرفت با جشن بزرگ هم بسته گی بین المللی، با کمک زیبا و احساسی فرهنگی و یک جمع آوری کمک. من از شما می خواهم به تبلیغ در مورد بریگادها ادامه داده و درگیر شرکت قطعی در زمانهای معین قاطع را به ما خبر بدهید این باید هماهنگ باشد با ۴ زمانی که ما اعلام کرده ایم در اعلامیه دفتر کمیته هماهنگی بین المللی در ۲ آوریل ۲۰۱۵. شما می توانید هر وقتی و با سئوالات و پیشنهادات به من مراجعه کنید. با سلامهای هم بسته گی

استفن

Forwarded by the ICOR Office
Buerer Strasse 39
D-45899 Gelsenkirchen
Germany
Phone: +49 209 3597479
email: coordinationint@yahoo.co.uk
homepage: www.icor.info



درگیری ... بقیه از صفحه آخر

به طور سنتی در مناطق مهلباد و سردشت و شمال کردستان ایران فعال بود. رشد هر دو حزب و سازمان باعث چالش ها و درگیری های متعدد نظامی شد. این درگیری ها مقطعی و بر سر مسائل مختلف از جمله حضور آزادانه نظامی، مسئله مالیات بر کالاهای تجاری بین ایران و عراق بر سر مرزها، حضور دفترهای نظامی و سیاسی در شهرهای یکدیگر و غیره بود. اما تقسیم مناطق به شمال و جنوب به آن مفهوم نبود و نیست که کومله در مناطق شمالی و حزب دمکرات در مناطق جنوبی دارای هیچ فعالیتی نبودند.

بعد از سال های اول انقلاب و اشغال نظامی کردستان توسط رژیم جمهوری اسلامی و بسته شدن دفترهای مرکزی این احزاب همراه با انشعابات و جدائی ها در درون آنها و انتقال آنها به کردستان عراق و کم شدن

فعالیت های نظامی از یک طرف و ایجاد حکومت منطقه ای خود مختار در کردستان عراق بعد از سرنگونی صدام حسین و متوقف شدن فعالیت های نظامی آپوزیسیون کرد (البته با فشار ایران به حکومت خود مختار کردستان عراق)، به نوعی می توان گفت که دست کومله و حزب دمکرات از حضور در مناطق به عنوان نیروی حاکم کوتاه شده بود و آنها صرفاً به کارهای سیاسی و تشکیلاتی می پرداختند

اتفاقات دیگری هم در این سال ها در جنبش کردستان کشور ترکیه افتاده بود و آنهم بوجود آمدن یک نیروی تازه نفس و بسیار فعال به نام سازمان کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک) بود که نه تنها در ترکیه حتی در بین کردهای کشورهای دیگر از جمله ایران و عراق و سوریه پایه توده ای پیدا کرده است. پ ک ک سعی کرده است در این سال ها در بوجود آمدن احزاب همفکرش در کردستان کشورهای دیگر و همکاری با احزاب دیگر نقش کلیدی ایفاء کند. بوجود آمدن پژاک در کردستان ایران نتیجه یک چنین سیاستی بود. پژاک (دورانی که حزب دمکرات کردستان ایران و کومله قادر به حضور نظامی در به ویژه مناطق شمالی کردستان نبودند) اگر نگوئیم بطور دائم ولی پیگیرانه در مناطق شمالی کردستان ایران حضور داشته است و توانسته برای خود یک نیروی پشتیبان کردی پیدا کند آنهم در مناطقی که قبلاً و به صورت سنتی پایگاه توده ای حزب دمکرات کردستان ایران بوده است. از دیگر عوامل می توان به حضور نیروهای پ ک ک بعد از اینکه از طرف دولت خود مختار کردستان عراق به آنها اجازه داده شد که در مناطق نزدیک مرزهای ایران و در کوههای بین پیرانشهر و اشنویه (حاجی عمران) و مقرهای خود را برپا کنند و عملاً با داشتن نیروی بزرگی از پارتیزان ها در مقراتشان مرزهای بین ایران و عراق و بخشا دسترسی به کردستان ترکیه را در زیر کنترل خود بگیرند مناطقی که قبلاً محل رفت و آمد حزب دمکرات کردستان ایران به طرف شمال بود.

همان طور که بعد از فشار ترکیه در جهت سرکوب پ ک ک و استقرار آنها در منطق ذکر شده آنها به سمت جنبش کل کردستان و نفوذ در بخش های دیگر پرداختند. حزب دمکرات کردستان ایران همراه با برخی از احزاب ملی بخش دیگر در ایران کنفرانس ملیت های ایران را درست کردند که ترکیب آن اساساً نیروهای راست بودند و بیشتر تمایلات تداخل گرایانه امپریالیستی



در آنها وجود داشت که به علت همین سیاست قادر به رشد و فعالیت گسترده ای نشد.

از دیگر مسائل حل نشده در بین مناسبات حزب دمکرات و پ ک ک را می توان مالیات از تجار و کوله بران مرزی که بین ایران و عراق کالا رد و بدل می کنند نام برد. یکی از محل های درآمد حزب دمکرات کردستان ایران همیشه گرفتن مقداری پول از معامله گران مرزی تحت عناوین حق العبور و یا مالیات و یا کمک به جنبش و غیره بوده است که با سیاست های پ ک ک همخوانی نداشته و پ ک ک برای نفوذ در بین آنها بیشتر از طریق کار سیاسی دست به جمع آوری پول و کالا می زند که این آرامش بیشتری را به معامله گران مرزی داده است.

تغییرات در اوضاع خاورمیانه و فشار به ایران و کار دائمی آمریکا و غرب برای تاثیر گذاری بر روی سازمان سیاسی مثل مجاهدین و حزب دمکرات و ... بوجود آوردن این توهم که با در هم ریختن ایران اپوزیسیون هم می تواند به خواسته های خود برسد در سیاست گذاری و سمتگیری های حزب دمکرات هم بی تاثیر نبوده است. به ویژه اینکه حزب دمکرات چندین بار سعی کرد که با رژیم اسلامی بر سر برخی مسائل به مذاکره بنشیند که با شکست مواجه شد. در نتیجه حزب دمکرات کردستان ایران به علت دو موضوع بالا یعنی دوری طولانی و پاسیو بودن در منطق سنتی خود و عقب افتادن از نیروهای رقیب و مساعد دیدن اوضاع به خاطر مشغول بودن رژیم جمهوری اسلامی در خاورمیانه و چالش با غرب و کمک احتمالی غرب به حزب دمکرات خواهان بازگشت به مناطق مرزی است. در این بازگشت آنها با پ ک ک روبرو هستند اولاً به خاطر اینکه پ ک ک خواهان حضور بدون رقیب پژاک در منطقه است دوماً منطق مرزی می تواند رابطه مستقیم آنها را با رژیم اسلامی از دیده ها پنهان کند سوماً ثبات رژیم جمهوری اسلامی در حدی که هم پشت جبهه منطقه ای پ ک ک را در هم نریزد و هم مسئله حضور پژاک را تامین کند برای پ ک ک امری مهم در سیاست های استراتژیک آنها است. و نهایتاً اینکه قدرت گیری مجدد حزب دمکرات در کردستان ایران می تواند دارای پی آمدهای مهمی تری از جمله اجبار پ ک ک بر گردن گذاشتن به برخی از خواسته های حزب دمکرات کردستان ایران در آینده باشد.

هر دو حزب در اطلاعیه های بعد از درگیری خاطر نشان کرده اند که خواهان ادامه آن نیستند و حکومت منطقه ای کردستان در عراق با پا در میانی خواهان حل مناقشات و موضوعات مورد اختلاف است. اما موضوعات مورد اختلافی که برشمردیم مجموعه ای که حل آن می تواند بسیاری از اختلافات آینده احزاب کرد را نیز برطرف کند اگر برای آن معیارها و مناسبات مشخصی از طریق گفتگو و قبول طرف های درگیر تعیین شود.

غ.ع. - اردیبهشت ۱۳۹۴



تلاقی تمدنها ... بقیه از صفحه آخر

عمیق تر و بیشتر بین مرکزهای مسلط امپریالیستی و کشورهای سه قاره به اضافه اقیانوسیه بوده است.

- آنچه که در فاز فعلی جهانی گرائی سرمایه (سرمایه داری بازار آزاد نئولیبرالی) حائز اهمیت و قابل تامل است، این است که در صد بالاتر تمرکز سرمایه و لاجرم اتخاذ سود بیشتر برای انباشت بیشتر سرمایه به سطح اشباح رسیده است. در اینجا است که موقعیت هژمونیک راس نظام به زیر سؤال کشیده می شود. همانطور که در پایان بخش اول این نوشتار اشاره شد نظام جهانی سرمایه بر اساس تلاقی روز افزون بین مرکزهای مسلط و بقیه جهان، بنا گشته است. ولی در سال های اخیر بعد از آغاز برملا شدن و رسانه ای تر گشتن بحران نظام در (۲۰۰۸) که پیشینه شکل گیری و رشدش به دهه ۱۹۷۰ قرن بیستم می رسد) ما شاهد بروز تضادهای نوین در درون نظام هستیم که خیلی احتمال دارد نه تنها شکل و شمایل امپریالیسم را دوباره دستخوش تحویل و تحول قرار دهد بلکه حتی جهان ما را دوباره به سوی جهان چند قطبی و یا اقلاً تک قطبی سوق دهد. این تضادهای نوین درون نظام عبارتند از:

۱- عروج قدرت های نوظهور اقتصادی مثل اعضای بریکس (چین، روسیه و...) و سازمان یوروآسیا.

۲- عروج کشورهای دربند پیرامونی و تلاش در جهت گسست از نظام جهانی و یا حداقل گسست از نهادهای بین المللی آن مثل سازمان آلبا در آمریکای لاتین و گروه

شانگهای در آسیا.

۳- شکلگیری و تشدید اختلافات جدی در بین مرکزهای قدرت در درون نظام جهانی با خود راس نظام و احتمال سرپیچی های آلمان و امکانا فرانسه از اوامر راس نظام در ارتباط با ماجراجویی های نظامی آن در کشورهای به ویژه اوکراین، سوریه و... در نوشتارهای پیشین، نگارنده عروج قدرت های نوظهور اقتصادی - سیاسی مثل تعدادی از اعضای گروه بریکس و گروه شانگهای از یک سو و به تلاش های بخشی از کشورهای دربند پیرامونی جنوب مثل اعضای سازمان آلبا در آمریکای لاتین در جهت گسست از محور نظام جهانی، از سوی دیگر را مورد بررسی قرار داده است. در اینجا به چند و چون و علل پیدایش اختلافات در بین مرکزهای قدرت درون نظام (کشورهای جی ۷ = امپریالیسم دسته جمعی سه سره)، می پردازیم

- طبق گزارشات دو رسانه ای مطبوعاتی معروف آلمان (اخبار اقتصادی آلمان و اشپیگل) ادامه اشاعه بهتان ها و ادعاهای ناروا و بی ربط از سوی دولت مردان دولت باراک اوباما در مورد اوکراین و روسیه در طول سال ۲۰۱۴ بالاخره منجر به بروز شکایات جدی از سوی آنجلا مرکل و دیگر دولت مردان آلمان به ویژه فرانک والتر اشتاین مایر (وزیر امور خارجه آلمان) گشته است. شکایات و مخالفت های اشتاین مایر (متعلق به حزب سوسیال دمکرات آلمان) با سیاست های اوباما در ارتباط با اوکراین و روسیه به چندین سال پیش برمی گردد. ولی آنچه که در اینجا شایان توجه و حائز اهمیت است مواضع نه چندان موافق مرکل (رهبر پروآمریکائی ترین حزب داخل آلمان = حزب دمکرات مسیحی آلمان) با سیاست های اخیر پر از ماجراجویی های نظامی دولت اوباما می باشد.

باز طبق گزارشات رسانه های جاری مقاومت در مقابل استراتژی آمریکا در مورد روسیه و اوکراین نه تنها در آلمان بلکه در درون دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز روزانه افزایش می یابد. مجله اشپیگل در شماره ۷ مارس ۲۰۱۵ گزارش می دهد که ژنرال فیلیپ بریدلاو (فرمانده کل نیروهای ناتو) پس از امضای موافقت نامه آتش بس در مینسک (پایتخت بلاروس) توسط مرکل، اولاندو، پوتین و ... اعلام کرد که "متجاوز از هزار فقره مهمات جنگی مدرن و پیشرفته" از سوی روسیه پوتین به شرق اوکراین فرستاده شد و اوضاع هر روز بدتر



... و بالاخره در قاره آمریکای لاتین (تهدید ونزوئلا و...) در سه ماه گذشته از ژانویه تا مارس ۲۰۱۵، می توان گفت که عکس العمل راس نظام در مقابله با چالش ها و تضادهای فوق الذکر، عبارت است از دو اخطار غیر مستقیم به دولت های درگیر: ۱- به دولت های دربند پیرامونی و نیمه پیرامونی: درهای خود را به روی هجوم اولیگوپولی های راس نظام (انحصارات پنجگانه) باز نگه داشته و به فرامین بازار آزاد نئولیبرالی تن در دهید والا طعمه بمباران، درماندگی، تجزیه و جنگ های داخلی مثل افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و اوکراین خواهید گشت.

۲- به شرکای اصلی درون امپریالیسم سه سره نظام: یا اعمال سیاست های جنگی و دیگر ماجراجویی های نظامی آمریکا را پذیرفته و همکاری کنید و یا در صورت سرپیچی و عدول از فرامین "جامعه بین المللی" (اجماع واشنگتن = هژمونی نظامی آمریکا) به شدت از سوی "اژانس امنیت ملی" تویخ و تحت پیگرد و بالاخره تنبیه، قرار خواهید گرفت.

- با این وصف و توضیح روشن است که راس نظام در بحبوحه فرتوتی و بی ربطی عمرش مثل اینکه قادر به پذیرش مصالحه و حداقل عقب نشینی (که از ویژگی های تاریخی دموکراسی بورژوائی محسوب می شوند) نبوده و ماهیتا بدون توسل به جنگ و نظامی گری نه تنها نمی تواند همکاری داوطلبانه بخشی از شرکای وفادار خود را حفظ کند بلکه احتمال دارد که در آینده نه چندان دور موقعیت هژمونیکی خود را در درون نظام به کلی از دست بدهد. به اعتقاد خیلی از چالشگران رادیکال ضد نظام مثل سمیرامین، جان بلامی فاستر، امانوئل والرشتاین و... صرف توسل به جنگ های تجاوزگرانه امپریالیسم کنونی به سرکردگی آمریکا در واقع علامت روشن و منبعث از فرود و زوال نسبی موقعیت سیاسی و اقتصادی آمریکا در داخل بخش مرکزهای مسلط نظام جهانی سرمایه است. برخلاف دوره های گذشته تاریخ امپریالیسم، امروز امپریالیسم سه سره نظام برای برون رفت از مشکلات و مسائل (که خود در ایجاد آنها نقش اساسی داشته است) فقط و فقط توسل به جنگ و خونریزی می شود زیرا بُعد و افق هژمونی آن منحصر محدود به جنگ و بی خانمانی و... است. به عبارت دیگر "آمریکای قرن بیست و یکم" در گستره های غیر جنگی (دیپلماسی، مدیریت اقتصادی، مصالحه و مذاکره و یا عقب نشینی

به درستی دریافته و درک کرد. آیا امکان دارد که بخشی از اعضای اتحادیه اروپا (و به ویژه در درون کشورهای جی ۷) که اخیرا به مخالفت هایی با راس نظام در مورد اوکراین و روسیه پوتین برخاسته اند بالاخره به اجرای سیاست های جدی تری در مقابله با ماجراجویی های نظامی آمریکا در اوکراین و روسیه دست بزنند؟

- وقایع سه ماهه اول سال ۲۰۱۵ در ارتباط با اوکراین و سوریه (و پدیده داعش) و عروج "اسلاموفوبیا" و ضد یهودی گری در کشورهای اروپا نشان می دهند امکان اینکه "اتحادیه اروپا" دچار تحویل و تحول گشته و در مقابل سیاست های راس نظام دست به شکایت زده و حتی متوسل به سرپیچی از اوامر راس نظام گردند، به قدر کافی وجود دارد. بررسی مواضع اخیر دولتمردان آلمان و فرانسه و... که به طور چشمگیری در رسانه ها منعکس شده اند نشان می دهد که این دولتمردان از وجود تمایلات فاشیستی در درون رهبران اوکراین در کیف اظهار نارضایتی کرده و گفته اند که بالاخره اروپا به اندازه کافی تجربه با فاشیسم و نازیسم داشته و به هیچ وجه خواهان بازگشت مجدد آنها به اروپا نیستند. مضافا خیلی از اروپائیان و حتی تعداد قابل توجهی از دولتمردان "اتحادیه اروپا" (مثل فرانک اشتاین مایر وزیر امور خارجه آلمان) از اینکه اخیرا جهادپرست های فاشیست داعش از یک سو و مسیحیان نازی ضد یهودی از سوی دیگر در کشورهای اتحادیه اروپا بروز و رشد کرده اند اظهار نگرانی و هراس کرده اند. به نظر این نگارنده نگاهی به رشد وقایع و بررسی فعل و انفعالات سیاسی و دیپلماتیک به قدر کافی نشان می دهند که اتحادیه اروپا خیلی امکان دارد که در مقابل ماجراجویی های نظامی آمریکا در خاورمیانه (به ویژه سوریه، اروپای شرقی اوکراین و آمریکای لاتین ونزوئلا) ایستادگی کرده و حتی در مسیر همکاریهای قاره ای برخلاف میل آمریکا از پیشنهادات دولت پوتین در ایجاد و رونق "یورو-آسیا" استقبال کند. در اینجا ضروری است که به چند و چون عکس العمل های راس نظام در مقابله با این چالش ها و تضادها، بپردازیم.

عکس العمل راس نظام در مقابله

با چالش ها و تضادها

- در پرتو افزایش تهاجمات نظامی و گسترش جنگ های مرئی و نامرئی ساخت آمریکا در قاره آفریقا (از کنگو - کین شاسا تا سومالی و...)، در خاورمیانه (از سوریه تا یمن و...) در اروپای شرقی (اوکراین

می گردد. طبق گزارش اسپیکل این ادعا از سوی بریدلاو دولتمردان مرکل را به تعجب و انداشت زیرا آنها چندین بار از سوی "اژانس امنیتی امور خارجه آلمان" با خبر شده اند که بریدلاو و تعداد دیگر از مشاورین او باما (مثل ویکتوریا نولند) برای پیشبرد هدف خود در اوکراین (الحاق آن کشور به ناتو حتی از طریق نیروهای فاشیستی اوکراین در جهت تضعیف روسیه) چندین بار به دورغ و بهتان متوسل شده اند. مضافا دولتمردان راس نظام در دوره بعد از پایان جنگ سرد (از ۱۹۹۱ تا کنون ۲۰۱۵) با توسل به "مداخلات بشردوستانه" در کشورهای استراتژیکی و نفت خیز خاورمیانه بزرگ چندین کشور را (۹ عددکه به هر علتی روابط دوستانه و حسنه با دولت پوتین داشتند (از طریق اشتعال جنگ و بی خانمانی به نابودی و تجزیه کشیده اند. جورج بوش و سپس او باما در دهه ۲۰۰۰ صدام حسین را در سال ۲۰۰۳ و معمرالقذافی را در ۲۰۰۹ (بخاطر داشتن روابط حسنه با دولت روسیه) بعد از سرنگونی به قتل رساندند. این سیاست امروز در دهه ۲۰۱۰ (در سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵) در سوریه توسط دولت او باما با تمام قدرت به پیش برده می شود. راس نظام در پیشبرد سیاست استراتژیکی خود در جهان (تضعیف و اخته کردن روسیه با هدف تحدید چین) با توسل به یک کودتای فاشیستی - نظامی رئیس جمهور اوکراین ویکتور یانوکویچ را در بهار ۲۰۱۴ سرنگون ساخت زیرا او نیز می خواست روابط حسنه اوکراین با دولت پوتین ادامه داشته باشد. در یک کلام راس نظام برای رسیدن به هدف استراتژیکی جهانی خود (تحدید چین) در جهت تسلط نظامی بر کره خاکی هر دولتی را در جهان به ویژه در کشورهای سوق الجیشی دربند پیرامونی که خواهان روابط دوستانه (و حتی حسنه) با دولت پوتین در روسیه داشته باشد، به حیل گوناگون و توسل به جنگ و اشاعه تلافی تمدن ها سرنگون سازد. زیرا روشن است که با وجود یک روسیه با ثبات 'اولیگارشی آمریکا نمی تواند به هدف خود در سطح جهانی برسد. علل توسل راس نظام به جنگ های مرئی و نامرئی و دیگر ماجراجویی های نظامی از یک سو و حمایت های همه جانبه مستقیم و غیر مستقیم سازمان های امنیتی آمریکا از شکل گیری، رشد و اشاعه انواع و اقسام بنیادگرایی های دینی و مذهبی در سرتاسر جهان از سوی دیگر را نمی توان بدون تحلیل و بررسی هدف آتی و جهانی آمریکای هژمونی طلب



► های تاکتیکی و...) به تمام معنی ورشکسته گشته و تنها برگ برنده اش محدود به تجاوز نظامی و گسترش جنگ های مرئی و نامرئی در اکناف جهان است. - هزینه جنگ های ساخت آمریکا را که روزانه در حال افزایش است چه کسانی پرداخت می کنند؟ در یک کلام منابع این هزینه ها نه خود اولیگارشلی آمریکا و نه صاحبان انحصارات پنجگانه هستند. بلکه این منابع عبارتند از:

۱- مالیات بر درآمد سالانه میلیون ها میلیون کارگر، کشاورز و دیگر زحمتکشان در کشورهای ثروتمند مسلط مرکز (در آمریکا، اروپا و...)

۲- دولت های ثروتمند کشورهای مسلط مرکز (ژاپن، آلمان و...) دولت های ثروتمند در بند پیرامونی مانند عربستان، قطر و... و دولت های فقیر دربند پیرامونی (از بوروندی در آفریقای مرکزی تا یمن در خاورمیانه).

۳- منابع مالی از تاراج منابع طبیعی کشورهای دربند پیرامونی از یک سو و ابر استثمار نیروهای انسانی خلق های کشورهای دربند پیرامونی از سوی دیگر. در یک کلام آمریکا با استفاده از قدر قدرتی نظامی خود کسر بودجه خود را که دائماً در حال افزایش است از اذهان عمومی به ویژه مردم آمریکا پنهان نگهدارد. در تحلیل نهائی توسل به نظامی سازی کلیه نهادهای دولتی منجمله نیروهای امنیتی و پلیسی و حتی استفاده از زور نظامی برای ایجاد توازن بین درآمدها و هزینه ها نه تنها مظهر داشتن موقعیت هژمونیک نیست بلکه به اعتقاد این نگارنده پنهان ساختن ضعف نظام (فروود قدر قدرتی آمریکا از اریکه هژمون) از انظار عمومی بین المللی به ویژه مردم آمریکا، است.

- امروز در پرتو رشد اوضاع در خاورمیانه بزرگ به ویژه در سوریه و در کشورهای نیمه پیرامونی به ویژه در اوکراین ما به روشنی می توانیم شاهد این امر باشیم که توسل راس نظام صرفاً به جنگ و نظامیگری با هدف کنترل منابع نفتی در خاورمیانه بزرگ نه فقط در کشورهای خلیج فارس بلکه در کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی است. مضافاً راس نظام می خواهد با تامین و تضمین هژمونی نفتی در این کشورها سیاست جهانی خود را بر شرکای خود (آلمان و ژاپن و...) که رقبای بالقوه و واقعی آمریکا در درون بخش مرکزهای مسلط بوده و وابسته به نفت خاورمیانه بزرگ هستند، دیکته کند. ولی واقعیت ها در صحنه بین المللی نشان می دهند که

ناکامی های راس نظام در افغانستان، عراق و لیبی در دهه اول قرن بیست و یکم و ناکامی های نظام در نیمه اول دهه دوم قرن بیست و یکم (از ۲۰۱۰ تا کنون ۲۰۱۵) در کوبانی (کردستان غربی)، در فلسطین و شرق اوکراین شرایطی را بیار آورده که در پرتو بررسی آنها می توانیم شاهد رشد چالش هائی باشیم که قدر قدرتی و موقعیت هژمونیک راس نظام را دارند به تدریج ولی به طور جدی به زیر سؤال می کشند. -روز و رشد اتحادیه بین المللی بین کشورهای بزرگ در حال عروج مثل بریکس، گروه شانگهای، سازمان یورو-آسیا و سازمان آلبا در سطح جهانی به ویژه در جنوب گلوبال در ده سال اخیر به روشنی نشان می دهند که این ملت - دولت های واحد بر آن هستند که با همکاری و همبستگی بین خود به طور جدی سیاست های ژئوپولیتیک آمریکا را که در خطه بزرگ و به غایت استراتژیکی خاورمیانه بزرگ (شامل مناطق آسیای جنوب غربی، آسیای مرکزی، کشورهای قفقاز و آفریقای شمالی) امپراتوری آشوب پر از بی خانمانی، بی امنیتی و... را بوجود آورده اند را، به زیر سؤال بکشند. - بررسی اوضاع رو به رشد در اوکراین و عکس العمل بعضی از رهبران کشورهای اتحادیه اروپا نسبت به آن حکایت از آن دارند که تعدادی از رهبران کشورهای عضو ناتو و اتحادیه اروپا به طور مشخص آنگلا مرکل برخلاف اوباما خواهان گسترش روابط بهتر و نزدیکتر با روسیه پوتین بوده و چندان رغبتی به پذیرش سیاست های تجاوزکارانه راس نظام در اروپای شرقی به ویژه در کشورهای همجوار روسیه از خود نشان نمی دهند. - مضافاً باید به این امر مهم تاریخی در چهارچوب فرهنگ سیاسی ملل توجه کرد که مردم اروپا برخلاف دولت های اولیگارشلی حاکم در کشورهای اروپائی عمیقاً اعتقاد دارند که آزادی و برابری همراه با برادری (به واژه معاصر یعنی همبستگی) ارثیه های گرانبهای انقلاب کبیر فرانسه نه تنها برای مردم فرانسه بلکه کلیه مردمان کشورهای اروپا هستند. ولی اروپائیان همراه با چالشگران ضد نظام سرمایه داری متفق القول هستند که اصل برابری و آزادی از اول در تضاد و تلاقی باهم بوده و هنوز هم بعد از گذشت ۲۱۶ سال از انقلاب فرانسه به قوت خود باقی است. در نتیجه آرزو و امید بشریت زحمت کش در جهان فعلی مثل دوره های پیشین تاریخ حل این تضاد و تلاقی و جابه جایی آن با تلازم و تلفیق و مکمل هم

بودن بین آزادی و برابری است. در صورتی که در آمریکا گفتمان حاکم بر اساس این ارزش بنا گشته که برابری و آزادی به هیچ وجه در تلاقی و تضاد باهم نبوده بلکه یار و یاور همدیگر هستند. در عمل مجموعه این دو یار و یاور همان حاکمیت طرز تفکر کابوئی و نقش برتر "کولت ۴۵" بر عقول مردم تحمیق شده آمریکاست که امروز عکس العمل آن در جهان جنگ های ساخت آمریکا و دیگر ماجراجوئی های نظامی است که سراسر جهان را در نور دیده است.

نتیجه اینکه

- رشد اوضاع در حال حاضر حکایت از این امر دارد که در پرتو این اوضاع اروپای آتلانتیک یا از محور "ناتو" (آمریکای نظامیگر) خواهد برید و یا به تله جنگ و نازیسم مثل آمریکا در اوکراین، در خواهد غلطید. به نظر این نگارنده اروپای غربی یا تسلیم سیاست های جنگی آمریکا گشته و سیطره آنرا خواهد پذیرفت و یا به تدریج ولی به طور جدی از پیشنهاد پوتین برای ایجاد و رشد "یورو-آسیا"، استقبال خواهد کرد. اگر اروپائیان به شراکت و همکاری خود با آمریکای قرن بیست و یکم ادامه دهند مسلماً در آینده نه چندان دور به خدمتگزاران اولیگارشلی فرمانبر اولیگوپولی های آمریکا (انحصارات پنجگانه)، تبدیل خواهند گشت. ولی اگر رهبران اروپا دعوت پوتین را برای ایجاد یورو-آسیا بپذیرند در آن صورت ایجاد یک "ممالک متحده اروپا" نه تنها به نفع مردم اروپا خواهد بود بلکه باعث خواهد گشت که خلق های کشورهای دربند پیرامونی و نیمه پیرامونی به بلند پروازی های خود در راستای گسست از محور نظام جهانی سرمایه در جهت استقرار حاکمیت ملی با چشم اندازهای سوسیالیستی، دامن بزنند. مسلماً نیروهای ضد نظام و چالشگران چپ رادیکال نظام برانداز نباید فقط در آرزوی رشد دنیای چند قطبی غوطه خورده و عمده فعالیت های خود را به دوره ای که در آن جهان ما دو قطبی و یا چند قطبی، خواهد گشت، محول سازند. نکته اصلی و مسئله کلیدی در اینجا این است که مجموع این تلاطمات و فعل و انفعالات به ویژه در درون کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ماه های اول سال ۲۰۱۵ که احتمال دارد که به رشد جهان چند قطبی منجر گردد به بلند پروازی ها و مقاومت های دموکراتیزه کردن چه در سطح محلی و کشوری (مثل وقایع فرگوسن، کوبانی، یونان و...) و چه در سطح سازماندهی منطقه ای و قاره ای مثل سازمان آلبا، گروه شانگهای،



می بینم

عصیان تندر را

می بینم

رقص صاعقه را

و غبار غم را که افشاندند بر

جهان

جنگ سالاران

در جنگ اند دگربار

در پی ارزن های طلایی

طلایی، اما

ارزن هائی در خیال

-- خوابشان خوش باد!

مائو تسه دون

به تارنما های اینترنتی

حزب رنجبران ایران

مراجعه کنید

و نظرات خود را

در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران

www.ranjbaran.org

سایت آینه روز

www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری

www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین

www.ranjbaran.org/01_ranjbaron-line

سایت آرشیو روزنامه
رنجبر

<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

بریکس، یورو-آسیا و...، توان زیادی بدهد. در گستره این دگرپرسی هاست که نیروهای دموکراتیک و توده ای ضد نظام موفق خواهند شد که خود را برای گذار درازمدت از واقعیت های دردناک سرمایه داری واقعا موجود به سوسیالیست های کشوری، منطقه ای، قاره ای و حتی جهانی آماده سازند. ن.ناظمی - اردیبهشت ۱۳۹۴

منابع و مأخذ

۱- پال سویزی، "کم و بیش درباره جهانی گرانی"، در "مانتلی ریویو"، سپتامبر ۱۹۹۷.

۲- اریک زوسی، "اتحادیه اروپا در تلاقی با اوباما در مورد اوکراین"، در "گلوبال ریسرچ"، ۸ مارس ۲۰۱۵.

۳- مهدی ناظم رعایا، "برلین و پاریس به سوی شرق"، در "گلوبال ریسرچ"، ۲ مارس ۲۰۱۵.

۴- درباره بروز و رشد اختلافات و تلاقی ها بین مقامات دولت های آلمان، فرانسه و انگلستان با مقامات نظامی و دولت آمریکا درباره اوکراین و سوریه رجوع کنید به: "اشپیگل"، "اخبار اقتصادی آلمان"، "واشنگتن پست"، "گاردین"، "مادر جونز" و "نیشن" (در روزهای ۷ تا ۲۵ ماه مارس ۲۰۱۵).

۵- انور محمد، "بنگلادش: مدلی از نتولیرالیسم"، در "مانتلی ریویو"، مارس



بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

مبارزه در مورد شیوه تفکر در جنبش طبقه کارگر

استفن انگل



برای تهیه کتاب

مبارزه در مورد

شیوه تفکر در

جنبش طبقه کارگر

از طریق ادرس های

ارتباطی حزب رنجبران

با ما تماس بگیرید

در جنبش جهانی کمونیستی

توسط حزب کمونیست انقلابی مصر

:cpregypt@gmail.com

"هم بسته گی با رفقای مصری"

در روز کار ۲۰۱۵ رفقای شما در حزب انقلابی کمونیست مصر که در حال تدارک آن بودند در مرکز شهر قاهره در حمایت از طبقه کارگر مصر و تمامی کارگران جهان دست به تظاهرات علیه سرکوب توسط سرمایه داران و رژیم نظامی سبسی زدند که سیاست وحشیانه نئولیبرالیسم را به کار گرفته و بدون تردیدی شرایط و توصیه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را به اجرا درمی

آورد. طبقه کارگر مصر از اهداف برنامه ریزی شده اخراج ناعادلانه رنج می برد چنانچه آنها حق اعتصاب کردن را به عمل درآوردند و اخیرا یک دادگاه اداری تصمیم گرفت که حکم کارگران در مخالفت با قانون مذهب اسلام (شریعه) اخراج است. تمام طبقات توده ای زیاد با طبقه کارگر به ویژه بعد از کنار گذاشتن حمایت از تولیدات نفت و کالاهای اصلی، در کنار فراهم سازی امکانات سرمایه گذاران و پائین آوردن قرضها زیر شعار سازش با دزدان ثروتهای

مردم، تفاوتی ندارند!! آنچه که ما در شرم الشیخ (کنفرانس اقتصادی) دیدیم این کنفرانس ماهیت ضد توده ای و سرمایه دارانه رژیم را به روشنی نشان داد که ضد کارگر و تمامی متحدان آن: کشاورزان فقیر، جوانان، بی کاران و صاحبان کوچک بود. به علاوه در تکمیل جلوگیری از فعالیت سیاسی و بستن کامل دهانها طبق برنامه توسط ماشین پلیسی رژیم به ویژه برای مقابله شدید با احزاب و گروههای کمونیست و چپ صورت گرفت (قتل اخیر رفیق شایما الصباغ از آن جمله

درگیری بین حزب دمکرات کردستان ایران و حزب کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک)

هفته قبل در نواحی روستای کيله شین نزدیک پیرانشهر در حدود مرزی ایران و عراق بین نیروهای پیشمرگه حزب دمکرات کردستان ایران و پارتیزان های حزب کارگران کردستان ترکیه درگیری نظامی رخ داد که منجر به کشته شدن دو پیشمرگه حزب دمکرات ایران شد. متعاقب آن هردو حزب اطلاعیه هایی صادر کردند و یکدیگر را متهم به عامل این درگیری ها نمودند. اما برای هر انسان آزادی خواهی

که مسئله آزادی ملت کرد در هر چهار بخش کردستان را بخشی از آزادی کل جهانی می بیند باعث شک و کنجاوی است. اما براستی موضوع اختلاف بر سر چیست؟ البته موضوع مورد اختلاف آنطور که اطلاعیه دوحزب اعلام کرده اند فقط یک محدوده مرزی و استفاده از آن بر نمی گردد اگر چه آنها یکی از موضوعات مورد اختلاف است. رشد نیروهای سیاسی و حرکت های آزادی خواهانه در حین و بعد از انقلاب

سال ۱۳۵۷ از جمله رشد و گسترش جنبش ملی خلق کرد، باعث حضور یک نیروی جدید به نام کومله زحمتکشان شد که خود را یک نیروی چپ متعلق به طبقه کارگر کرد معرفی می کرد و عملا حضور بلامنازع تاریخی حزب دموکرات کردستان ایران از زمان قاضی محمد را به چالش می گرفت. رشد کومله زحمتکشان بیشتر در مناطق جنوبی کردستان ایران در شهرهای سنندج و بوکان و... بود در حالی که حزب دموکرات

نقش «تلاقی تمدن ها» در ایجاد امپراتوری آشوب (۲)

- در بخش اول این نوشتار بعد از تشریح اجمالی انگاشت "تلاقی تمدن ها" که در عمل، اعمال آن منجر به گسترش بی امنیتی، آشوب و بی خانمانی در جهان به ویژه در کشورهای دربند پیرامونی (جنوب) گشته است، به بررسی علل شکل گیری و رشد انگاشت "تلاقی تمدن ها" در تاریخ اخیر نظام جهانی سرمایه (امپریالیسم)، پرداختیم

- در بخش دوم و پایانی این نوشتار بعد از بررسی بروز و گسترش تضادهای نوین در

درون نظام جهانی چندو چون توسل نظام به اشتعال جنگ های مرئی و نامرئی و یا اشتعال ماجراجویی های دیگر نظامی برای حل مشکلات در جهت برون رفت از بحران عمیق ساختاری را مورد بررسی قرار می دهیم.

تضادهای نوین در درون

نظام جهانی سرمایه

- پیشینه آشوب و بی امنیتی در حال گسترش در جهان امروز به سال های حتی پیش از فروپاشی و تجزیه شوروی و پایان

دوره جنگ سرد در سال ۱۹۹۱ می رسد. در واقع از بعد از آغاز مرحله انحصاری سرمایه داری در دهه ۸۰ قرن نوزدهم تاکنون پدیده امپریالیسم در حرکت جهانی تر گشته نظام سرمایه داری نقش اصلی داشته است. با اینکه در فازهای مختلف رشد جهانی گرائی سرمایه در صدوسی سال گذشته شکل و شمایل امپریالیسم دست خوش دگرگونی قرار گرفته ولی روند اصلی در تمام این فازهای تاریخی ایجاد قطب بندی

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org